



نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست حزب های کارگری و کمونیستی خاورمیانه، در آتن

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی در جلسه حزب های کارگری و کمونیستی
قطعنامه نشست حزب های کارگری و کمونیستی
در صفحات ۷ تا ۱۰



شماره ۹۲۴، ۱۰ تیر ۱۳۹۲
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

مصاحبه "اخبار روز" با رفیق محمد امیدوار
در صفحات ۲ و ۳

وظیفه و آماج های بی درنگ جنبش کارگری - سندیکایی، در مرحله کنونی

با پایان یافتن انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری، و تبلور روشن خواست مردم میهن ما به تغییر سیاست های فاجعه بار ولی فقیه در سال های اخیر، اوضاع سیاسی کشور دچار تغییرهای معینی شده است، و ما مناسبات و معادله هایی تازه را در صحنه سیاسی شاهدیم. در چنین شرایطی، جنبش مردمی با وظیفه و اولویتهای جدیدی روبه رو است که مهم ترین و اصلی ترین آن ها حرکت آگاهانه و هدفمند در جهت بازسازی بدنه اجتماعی و فعال سازی جنبش های اجتماعی برپایه مطالبه های مشخص

ادامه در صفحه ۱۲

در این شماره

- همبستگی با کارگران و مبارزان
راه آزادی ص ۵
- کاهش تولید در بخش کشاورزی ص ۱۳
- نشست هیئت اجرایی "شورای
جهانی صلح" ص ۱۴
- زنده باد نلسون ماندلا، رهبر ملی و مبارز
بر ضد آپارتاید ص ۱۵

"حماسه انتخاباتی رهبری" و وظایف پیش روی جنبش مردمی

رژیم در پی مهندسی موفق انتخابات، اکنون در صدد مهندسی جنبش اصلاحات و باز تعریف خواست ها و مطالبات آنها در چارچوب های مورد قبول "رهبری" است.

با فروکش کردن گرد و خاک انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، موضوع بررسی روند و نتیجه انتخابات و همچنین نتایج کوتاه و دراز مدت آن برای جامعه ما و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور در مرکز توجه بحث و بررسی های کارشناسان داخلی و خارجی قرار گرفته است. مجموعه ای از اظهار نظرهای جناح ها و نمایندگان نیروهای طیف "ذوب ولایت"، از کیهان شریعتمداری تا عسگر اولادی و دیگران، ضمن ابراز خشنودی کامل از خلق این "حماسه سیاسی" که به دست ولی فقیه رژیم مهندسی شده بود، بر خلق "حماسه اقتصادی" و در عین حال پایین آوردن فتیله انتظارات مردم و در واقع به خانه فرستادن آن ۱۸ میلیونی که در انتخابات با خواست تغییر اوضاع به روحانی رای داده بودند، تأکید کردند. علی خامنه ای در پیامی که در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ برای مردم ایران فرستاد، از جمله مدعی شد: "حماسه حضور شما پیوند مستحکم ایران و ایرانی را با نظام اسلامی به رخ همه بدخواهانی کشید که با صد ترفند سیاسی و اقتصادی و امنیتی در پی گسستن یا سست کردن

این اعتماد و پیوند مقدس اند." خامنه ای در ادامه همین پیام افزود: "اکنون که حماسه سیاسی و نقطه اوج آن در جمعه بیست و چهارم خرداد با پیروزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی به سرانجام رسیده است، هیجان و التهاب روزها و هفته های رقابت، باید جای خود را به همکاری و رفاقت داده و طرفداران نامزدهای رقیب در آزمون بردباری و متانت و دانایی نیز جایگاه شایسته خود را به دست آورند. هیچ احساسی، چه شادمانی و چه ناشادمانی، نباید کسی را به رفتار و گفتاری دور از شان خردمندی و فرزاندگی وادار کند. نگذارید بدخواهان، احساسات مردم را ابزار خواسته های پلید خویش کنند. وحدت ملی و رفق و مدارا پشتوانه امنیت کشور و خنثی کننده ترفندهای دشمنان است."

برداشتی که از سوی رهبر رژیم ولایت فقیه و دیگر سران ارتجاع در روزهای اخیر در جریان سخنرانی هایشان تبلیغ می شود این است که در واقع ثبت ۱۸ میلیون رای به آقای روحانی تأییدی بر "نظام جمهوری اسلامی" و به عبارت دیگری تأییدی بر ساختار دیکتاتوری و ضد مردمی است که

ادامه در صفحه ۶

تأملی دقیق تر بر نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در صفحه ۱۱

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

مصاحبه "اخبار روز" با رفیق محمد امیدوار

عظیم اجتماعی که در جریان این انتخابات، به صحنه آمد و به تغییر رای داده است در صحنه باقی بماند، خود را سازمان دهی کند و بر فشار اجتماعی برای تغییر بیافزاید.

اخبار روز: برای علی خامنه ای و شورای نگهبان قابل تصور بود که بخشی از مردم از میان کاندیداهای تأیید شده به چهره ای که نسبت به سایرین بیشترین فاصله با رهبری حاکمیت را بازنتاب می دهد، رای خواهند داد. چرا حسن روحانی را تأیید کردند؟

م. امیدوار: همانطوری که قبلاً اشاره کردم رژیم با درک بحران عمیقی که جامعه ما را فرا گرفته با برنامه ریزی قبلی به استقبال انتخابات خرداد ۹۲ رفت. "حماسه سیاسی" که رهبر خواهان خلق آن بود هنگامی اتفاق افتاد که نیروهای اصلاح طلب و رهبران آن قبول کردند که رژیم به آنها اجازه شرکت در انتخابات را نخواهد داد. صحبت های آقای خاتمی، به عنوان یک شخصیت اجتماعی-سیاسی آگاه و از رهبران جنبش اصلاح طلبی که: ما می دانیم نمی خواهند ما بیاییم و تازه اگر هم اجازه بدهند بیاییم حق نداریم بیش از آنچه آنها می خواهند رای بیاوریم، سخنان شجاعانه و دقیقی است که به روشنی پرده از برنامه های سران رژیم بر می دارد. "حماسه سیاسی" رهبری در واقع وقتی به واقعیت پیوست که جنبش اصلاح طلبی سطح توقعات و مطالبات خود را از اجازه شرکت خاتمی، و سپس اجازه شرکت هاشمی رفسنجانی، در پی رد صلاحیت هاشمی، یعنی کسی که ولی فقیه را بر کرسی ولایت نشانده بود و زمانی "عمود خیمه نظام" محسوب می شد، به حد قبول یک نامزد "محافظه کار میانه رو" و نماینده ولی فقیه در شورای امنیت ملی کشور تقلیل داد. تأیید آقای روحانی توسط شورای نگهبان نباید برای هیچکس تعجب آور باشد. آقای روحانی سالهاست نماینده مستقیم آقای خامنه ای بوده و هست و لذا روشن بود که او در لیست تأیید شدگان قرار می گرفت.

اخبار روز: آیا انطور که تبلیغ می شود، آقای روحانی نماد تغییر در سیاست حکومت است؟

م. امیدوار: من دیروز در روزنامه "تایمز" مطلبی را خواندم درباره انتخابات ایران، که توسط آقای "تورمن لامونت"، وزیر سابقه خزانه داری بریتانیا، در دوران "مارگارت تاچر" و از چهره های مشهور جناح راست حزب محافظه کار بریتانیا، نوشته شده بود. عنوان این مطلب این بود که "روحانی می تواند گارباچف ایران باشد" و برداشت کلی و نتیجه گیری مقاله این بود که آقای روحانی کسی است که غرب می تواند و باید با او به توافق برسد. بدیهی است که باید انتظار داشت در برخی عرصه ها، از جمله و خصوصاً سیاست های خارجی رژیم تغییراتی به سمت عادی سازی روابط با غرب به منظور تخفیف فشارها و لغو تحریم های اقتصادی برداشته شود. بخش عمده ای از کنفرانس مطبوعاتی آقای روحانی هم به این مسئله اختصاص داشت. البته ما از هر سیاستی که هدفش تنش زدایی در شرایط فوق العاده حساس منطقه و لغو تحریم های اقتصادی که فشارش بیش از پیش بر مردم زحمتکش میهن ماست، باشد حمایت می کنیم. با روی کار آمدن دولت آقای روحانی و بدون آن فشار سازمان یافته اجتماعی از پائین نمی توان به تغییرات اساسی و پایه ای در وضعیت کنونی امیدوار بود. ما در گذشته هم با این چنین پدیده های رو به رو بوده ایم. دو دوره دولت هاشمی رفسنجانی هم با شعار "سازندگی"، "اعتدال" و عادی سازی روابط با غرب تزئین شده بود و در انتها این دوره نه تنها بحران جامعه ما تخفیف نیافته بود بلکه وضعیت اجتماعی اقتصادی کشور همچنان بحرانی بود. خاصیت عمده این دوران رشد بی سابقه بورژوازی بوروکراتیک و حاکمیت بیش از پیش کلان سرمایه داری تجاری بر حیات اقتصادی کشور بود. بدیهی است که تکرار این سناریو با همان تیپ شعارها دردی را از جامعه ما دوا نخواهد کرد. حتی در دوران حکومت دولت اصلاحات و مجلس اصلاحات هم، متأسفانه گام های اساسی در راه تغییر سمت و سوی سیاست های کلان اقتصادی کشور برای حرکت به سوی عدالت اجتماعی برداشته نشد و این از جمله موضوعاتی بود که محمود احمدی نژاد، با شعارهای پوپولیستی، تحقق عدالت و گذاشتن پول نفت روی سفره مردم، در جریان انتخابات سال ۸۴، از آن بهره جست.

اخبار روز: آیا ما شاهد تغییراتی در جهت تامین حقوق اولیه شهروندان

اخبار روز: نظراتان در باره نتایج انتخابات ریاست جمهوری چیست، می توان انتخاب آقای روحانی را پیروزی مردم خواند؟

م. امیدوار: با تشکر از هیئت تحریریه "اخبار روز" که این فرصت را به من دادند تا نظرات حزب توده ایران را با خوانندگان و مراجعه کنندگان شما در میان بگذارم.

ما در ارزیابی شرایط بفرنج و حساس کشور همواره بر این اعتقاد بوده و هستیم که بدون درک و توجه به مبارزه طبقاتی حادی که در جامعه در جریان است، بدون توجه به ساختار طبقاتی حاکمیت و همچنین توان، سطح سازمان یافتگی و نیروی اجتماعی حاضر در صحنه مبارزه نمی توان به پای تحلیل حوادث کشور نشست و با تکیه بر این یا آن شخصیت سیاسی اجتماعی ارزیابی واقع بینانه ای را از وضعیت کنونی به دست داد. ما از ماه ها پیش از انتخابات، و هم در جریان برگزاری ششمین کنگره، در ارزیابی شرایط کشور بر این نکته تأکید داشتیم که بر خلاف همه ادعاهای آقای خامنه ای و دیگر سران رژیم، ایران در وضعیت فوق العاده بحرانی و حساسی به سمت انتخابات ریاست جمهوری می رود. سیاست های فاجعه بار دولت احمدی نژاد، و سمت گیری های کلان اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی که مستقیماً از سوی ولی فقیه و مشاوران اقتصادی او به دولت ها دیکته می شود، در کنار تحریم های مداخله جویانه و غیر انسانی کشورهای امپریالیستی، در مجموع آنچنان شرایط دشواری را برای ده ها میلیون ایرانی ایجاد کرده بود که جامعه ما به سمت انفجار اجتماعی جدی سوق داده می شد. اجرای سیاست هایی که منافع کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک را تأمین می کند، استیلائی اختاپوس گونه اقتصادی فرماندهان سپاه و دیگر نیروهای انتظامی کشور بر شریان های حساس اقتصادی، بر خلاف منافع اکثریت عظیم مردم زحمتکش، اثرات مهلکی بر جامعه ما به همراه داشته است. بیکاری ۳ میلیونی، زندگی ده ها میلیون ایرانی زیر خط فقر، تورم افسار گسیخته، سقوط ارزش ریال، در مقابل ارزهای خارجی، که تأثیر فوری روی گرانی قیمت ها و کاهش قدرت خرید مردم داشت، ورشکستگی بخش تولیدی کشور، تشدید بی سابقه دره عظیم میان فقر و ثروت، و ایزوله بودن ایران از نظر بین المللی، از جمله نمادهای جدی بحرانی است که ایران در آستانه یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری با آن رو به رو بود. **با این ارزیابی روشن است که اکثریت قاطع مردم خواهان تغییر در سیاست های اعمال شده و شیوه حکومت**

مداری در ایران بودند. سران رژیم با درک این خطر و در عین حال به توجه به این نیاز که باید چاره ای اندیشید به تدارک مهندسی انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری پرداختند. واقعیتی که باید به آن توجه داشت این است که ماهیت رژیم ولایت فقیه عوض نشده است. اگر این رژیم توانایی و یا خواست قبول رای و اراده مردم را داشت کودتای خشن و خونین انتخاباتی سال ۱۳۸۸ انطوری که دیدیم اجرا نمی کرد. کمیته مرکزی حزب ما در شادباش نوری خود اشاره کرد که رژیم ولایت فقیه دنبال برگزاری انتخابات مهندسی شده ای است که در جریان آن بتواند هم نامزدهای شرکت کننده در آن را کنترل نماید و هم نتیجه انتخابات را و در واقع از تکرار خرداد ۷۶ و خرداد ۸۸ جلوگیری کند. ما رای ۱۸ میلیونی مردم به آقای روحانی را در شرایطی که رژیم اجازه نداد هیچ یک از شخصیت ها و رهبران جنبش اصلاح طلبی و حتی هاشمی رفسنجانی در انتخابات شرکت کند، نه رای به شخص آقای روحانی، بلکه رای به خواست تغییرات جدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می دانیم. **دلیل رای آوردن آقای روحانی در انتخابات خرداد ۹۲ را باید حمایت رهبران جنبش اصلاح طلبی و فاصله گرفتن هوشیارانه او از سیاست های دولت منفور احمدی نژاد در جریان مناظره های تلویزیونی دانست.** با توجه به ابراز خشنودی ولی فقیه، دیگر سران رژیم مثل لاریجانی و مهدوی کنی و نهادهایی مثل سپاه از نتیجه انتخابات باید به این نتیجه رسید که انتخابات مهندسی شده خرداد ۱۳۹۲، تنها هنگامی می تواند به پیروزی واقعی مردم تبدیل شود که نیروی

ادامه مصاحبه "اخبار روز با رفیق ..."

مجریه دانست و تحقق آن را به همدلی سه قوه و قاعدتا به تأیید نهایی ولی فقیه موکول کرد.

آنچه روشن است این است که رهبران جنبش اصلاح طلبی در روزهای آخر انتخابات تصمیم گرفتند تا از نامزدی حسن روحانی دفاع کنند. و به نظر می رسد که در کابینه آینده آقای روحانی نمایندگان از جنبش اصلاح طلبی (خصوصاً کسانی که حاکمیت حساسیت کمتری نسبت به آنها داشته باشد) حضور یابند. البته روشن نیست که آیا اینگونه نامزدها بدون ایما و اشاره تأیید آمیز رهبر بتوانند از سد تأیید صلاحیت مجلس شورای اسلامی که در بست در دست گماردگان ولی فقیه و نیروهای ارتجاعی است بگذرند.

اخبار روز: بخشی از مردم به اعتراض در انتخابات شرکت نکردند، اینها چه قدمی باید بردارند تا اعتراضشان دیده شود و بتوانند در تحولات آتی تأثیرگذار باشند؟

م. امیدوار: هم بخشی از مردم که در انتخابات شرکت نکردند (مثلاً نزدیک به ۵۰ درصد مردم تهران) و هم ۱۸ میلیونی که به آقای روحانی رای دادند، بدون کوچکترین شکی خواهان پایان وضعیت فاجعه بار کنونی و تغییرات اساسی هستند. بر این اساس مبارزه آن ۱۸ میلیون و میلیون ها شهروندی که در اعتراض به چارچوب های تحمیلی، تنگ و عمیقاً ارتجاعی رژیم در انتخابات شرکت نکردند، مبارزه ای جدا از هم نیست و دارای خواست های مشترکی است. من همانطور که در بالا اشاره کردم راه نجات ایران از فاجعه کنونی، مبارزه مشترک و سازمان یافته همه کسانی است که خواهان حرکت به سمت عدالت اجتماعی و تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک اند. باید همه تلاش های را در این زمینه به کار بست. به نقل از سایت "اخبار روز"

ادامه تأملی بر نتیجه انتخابات ...

افشین اسانلو، فعال کارگری، در زندان های ولی فقیه کشته شد. بر اساس اتهام های وارد شده بر او، مقام های قضایی زیر امر و اختیار ولی فقیه، او مخالف "نظام" دانسته شد و به ۷ سال زندان محکومش کرده بودند. به دنبال جان باختن او، خانواده و خویشاوندانش در صدد برآمدند که مراسمی برای او برگزار کنند. بنابر گزارش های، گرمگان زیر امر ولی فقیه تمامی مسجدها و مکان های مناسب برای اجرای این مراسم ختم را در تهدید و فشار قرار دادند تا مبادا فضایشان را در اختیار خانواده اسانلو قرار دهند. در نهایت این مراسم همراه با مراقبت های شدید امنیتی به صورتی محدود برگزار گردید. رژیمی که رهبرش همین چند روز پیش ادعا می کند که مخالفانش هم به او "اعتماد" کرده اند، در عمل از اجرای مراسم ساده ختم فعالی کارگری در هراس است! آقای خامنه ای، سبب ترس و هراس شما از کسانی که ادعا می کنید با "نظام" اند و برای "نظام" فعالیت می کنند، چیست؟ حتی هاشمی رفسنجانی ("عمود خیمه نظام") نیز در جریان انتخابات ریاست جمهوری رد صلاحیت شد، و در نهایت مهره هایی تأیید صلاحیت شدند که در آینده احتمال هیچ گونه خطری از سوی آنان برای رژیم وجود نداشته باشد و مهارشان مشکلی را همراه نیاورد. علی خامنه ای هوشمندتر از آن است که از زیر پوست جامعه بی خبر باشد. انتخابات اخیر، صرف نظر از عده کسانی که در آن شرکت کردند و کسانی که آن را تحریم کردند، این موضوع که میزان نارضایتی از رژیم ولایت فقیه در گستره یی بسیار وسیع وجود دارد را بیش از پیش برجسته کرد. علی خامنه ای در این تصور واهی است که با مانورهای این چنینی می توان به خواست های توده ها بازمی بی اعتنایی کرد و نادیده شان گرفت. سخنان علی خامنه ای در رابطه با انتخابات اخیر ریاست جمهوری که با فراقی و دروغ پردازی های معمولش همراه بود، نشان می دهد که هدف اصلی سرکوب گران حاکم مسخ خواست های انباشته شده مردم با وارونه جلوه دادن واقعیت های انتخابات ریاست جمهوری است. همان طور که در گذشته بارها تأکید کرده ایم، این تفکر توهم آمیز که ولی فقیه به خواست های مردم بدون فشار اجتماعی تمکین می کند، خاک پاشیدن به چشم توده ها است. وظیفه نیروهای مترقی است که با تکیه بر نیروی اجتماعی و افشای ترفندهای ولی فقیه و همفکرانش، مطالبات مشخص مردمی را به حاکمیت تحمیل کنند. ولی فقیه سد اساسی تحول های بنیادین در میهن مان است.

مثل آزادی روزنامه ها، زندانیان سیاسی، کم شدن تبعیض علیه زنان، اقلیت های قومی-ملی و مذهبی، آزادی نهادهای مدنی، بهبود وضع زندگی کارگران و آزادی تشکل یابی آنان خواهیم بود؟

م. امیدوار: خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی-عقیدتی، پایان دادن به حصر آقای موسوی، کربوبی و خانم رهنورد، در کنار به رسمیت شناختن حق تشکل برای سندیکاها، اتحادیه ها، دیگر سازمان های صنفی-اجتماعی و پایان دادن به فضای خفقان، سرکوب و تبعیض بر ضد زنان، خلق های ایران و اقلیت های مذهبی در میهن ما در کنار حرکت به سمت تخفیف فشارهای کم رشن اقتصادی بر گرده کارگران و زحمتکشان، بی شک از جمله خواست های اساسی جنبش مردمی بوده و خواهد بود. تصور تحقق این خواست ها در چارچوب دولت آقای روحانی و در شرایط ادامه رژیم ولایت فقیه، بدون یک مبارزه وسیع و سازمان یافته و از نظر سیاسی منسجم توده ای، تصویری کاملاً غیر واقع بینانه ای است که دامن زدن به آن تنها به سود ارتجاع و حفظ شرایط کنونی خواهد بود. مردم با تجربه درناک دهه های اخیر می دانند و با پوست و گوشت خود لمس کرده اند که اعتبار زیادی برای شعارهای دولتمردان جمهوری اسلامی نباید قائل شد. مردم ما می دانند که حق گرفتنی است و تنها با نیروی سازمان یافته اجتماعی می توان به این حقوق و آزادی های دموکراتیک دست یافت.

اخبار روز: مردم قادرند رئیس جمهور را در جهت تامین خواست ها و انجام تغییرات، تحت تأثیر و فشار قرار دهند، وسیله موثر این تأثیرگذاری و اعمال فشار چیست؟

م. امیدوار: ما همواره معتقد بوده ایم و همچنان بر این اعتقاد پایبندیم که مردم موتور اصلی حرکت جامعه به پیش هستند. تجربیات تاریخ معاصر میهن ما از رشد و نضج گیری نهضت ملی شدن نفت، تا رشد جنبش اجتماعی در سال های دهه ۱۳۵۰ و سپس پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، و همچنین حماسه دوم خرداد ۷۶ و مبارزات اجتماعی که در دو دهه اخیر در میهن ما اتفاق افتاده است نشان می دهد که هرگاه مردم سازمان یافته و منسجم با خواست ها و شعارهای مشخص مبارزاتی به صحنه آمده اند توانسته اند خواست های خود را به مرتجعان حاکمان تحمیل کنند.

جنبش مردمی ما امروز از ضعف سازمان یافتگی، چند پارگی و عدم انسجام سیاسی-برنامه ای رنج می برد. تلاش در راه تغییر این وضع نیازمند کار آگاهانه همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و اصلاح طلب، باید بدور از فرقه گرایی های تنگ نظرانه و با هدف اعتلای توانمندی جنبش مردمی، و نیروهای اجتماعی شرکت کننده در آن باشد. باید از تجربیات سال های اخیر نیز آموخت. در دورانی شماری از رهبران جنبش اصلاح طلبی شعار "ارامش فعال" را می داند، شماری راه را "چانه زنی در بالا" در چارچوب "نیروهای خودی" می دانستند و در مجموع از حضور نیرومند و سازمان یافته جنبش مردمی در صحنه همواره در هراس بودند. نتایج این سیاست ها عقب نشینی های تحمیل شده به جنبش، وضعیت کنونی و ۸ سال دولت فاجعه بار محمود احمدی نژاد است. ما در تمامی این سال ها دیده ایم که چه مبارزه قهرمانانه و جسورانه ای از سوی جنبش زنان، جوانان و دانشجویی صورت گرفته است. ما در همین دوران شاهد تلاش جنبش کارگری کشور برای تشکل یابی و پیوند زدن مبارزات عمدتاً صنفی کارگران با مبارزه عمومی مردم بوده ایم ولی واقعیت این است که راه درازی هنوز باقی مانده است تا آنچه آن آمادگی و جنبش اجتماعی را پدید آورد که بتوان با اتکاء به آن به سمت تحولات پایه ای در میهن ما رفت. دیالکتیک حرکت اجتماعی به ما می آموزد که باید با واقع بینی، صبر، و دوری از برداشت های اراده گرایانه تلاش کرد تا وسیع ترین نیروهای خواهان تحول را گرد هم آورد و با برنامه مشخص و حداقل سیاسی-مبارزاتی به مصاف حاکمیت کنونی که از امکانات گسترده سیاسی، اقتصادی و نظامی بهره مند است رفت.

اخبار روز: نسبت آقای موسوی با دولت تازه و نسبت جنبش سبز با این دولت چطور تنظیم می شود؟

م. امیدوار: بدیهی است که با توجه به وضعیت کنونی آقای موسوی و در حصر بودن او نمی توان اظهار نظر دقیق و مطمئنی در این زمینه کرد. آقای روحانی در پاسخ به سئوالی درباره پایان دادن به حصر آقای موسوی، کربوبی و زهرا رهنورد، تصمیم گیری درباره این موضوع را خارج از توان قوه



تورم لگام گسیخته، کاهش درآمد، و افزایش فقر و فلاکت

آمارهای منتشر شده از سوی مراکزهای رسمی رژیم ولایت فقیه حاکی از این واقعیت دردناک است که، فقر در سراسر کشور رو به گسترش است. در جریان کارزار انتخابات اخیر ریاست جمهوری، از سوی مطبوعات و دیگر رسانه‌های همگانی برآوردهای آماري مختلفی از مسئله فقر در جامعه منتشر شد. روزنامه بهار، ۱۸ خردادماه، در گزارشی مفصل پیرامون اوضاع اقتصادی کشور و مسیر صعودی نرخ تورم، از جمله به شاخص فلاکت اشاره کرد و نوشت: "براساس تعاریف آکادمیک اقتصادی، نرخ تورم به علاوه نرخ بیکاری مساوی است با شاخص فلاکت. باور بر این است که تورم فزاینده در کنار بیکاری روبه افزایش برای یک کشور، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی دربر خواهد داشت... مرکز آمار ایران تابستان سال گذشته پس از مدتی مناقشه براساس اعلام آمار اقتصادی

کشور و با تأخیری چندماهه، نرخ بیکاری سه ماهه زمستان ۱۳۹۰ را ۱۴/۱ درصد و بانک مرکزی نیز، تورم بهمن ماه را ۲۹/۸ درصد اعلام کرد؛ گرچه این ارقام رسمی از نظر بعضی کارشناسان اقتصادی واقعی نیستند، اما با فرض دقت و صحت ارقام، شاخص فلاکت ایران در سال ۱۳۹۱ به ۴۴ درصد می‌رسد... بیم آن می‌رود این شاخص در سال‌های آینده نیز وضعیت بدتری را تجربه کند."

به فاصله اندک زمانی پس از انتشار آمارهای مربوط به شاخص فلاکت در ایران، رسانه‌های همگانی اعلام کردند که، بر پایه تجزیه و تحلیل جدیدترین گزارش‌های مرکز آمار ایران، شاخص قیمت‌ها افزایشی جدی داشته و با توجه به نرخ واقعی تورم، درآمد خانوارهای ایرانی با کاهش روبه‌رو شده است. روزنامه اعتماد، ۲۰ خردادماه، گزارش داد: "هزینه ماهانه یک خانواده چهارنفره در تهران تنها از بابت حداقل مواد غذایی ضروری و نه حداقل مواد غذایی مصرفی و دیگر هزینه‌های ضروری ۷۰۰ هزار تومان است. در این ۷۰۰ هزار تومان هزینه ماهانه، نه تنها هزینه‌های بالای اجاره بهای مسکن، حمل‌ونقل، آب، برق، گاز، بنزین، بهداشت و درمان، آموزش، پوشاک، لوازم منزل، تفریح و کالاهای خدمات متفرقه و انواع و اقسام هزینه‌هایی که خانواده‌ها روزانه با آن درگیرند، در نظر گرفته نشده است، بلکه اساساً بسیاری مواد غذایی مصرفی خانواده‌ها نیز به حساب نیامده است... در این شرایط رفته‌رفته سهم مواد غذایی اصلی از سبد خانوار کم و با مواد غذایی کم‌خاصیت‌تر و کم‌هزینه‌تر جایگزین می‌شود."

همچنین آمارهای رسمی نشان می‌دهد که، با افزایش نرخ تورم، رشد قیمت کالاها و خدمات عمومی، و ثابت ماندن دستمزدها، اکثریت مطلق کارگران و زحمتکشان، روستاییان، کارمندان جزء و متوسط، و معلمان میهن‌مان توان تهیه نیازمندی‌های ضروری زندگی را ندارند و تلاش برای دست یافتن به آن‌ها با دشواری‌های جدی روبه‌رویند. گسترش فقر و افزایش شاخص فلاکت، پیام‌های ناگوار و گاه جبران‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند و در آینده نیز خواهند داشت. گسترش فقر در عین حال نتیجه اجرای برنامه‌های ضد مردمی اقتصادی از قبیل برنامه تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها، یا در واقع آزادسازی اقتصادی، است. این سیاست‌ها از سوی مردم میهن ما را به لبه پرتگاه فقر و تیره‌روزی کشانده است، و از دیگر سو به ثروت‌اندوزی عدیهی قلیل، یا به عبارت دیگر لایه ممول انگلی، در جامعه منجر شده است. رژیم ولایت فقیه منافع همین لایه غیرمولد و سودجو را تامین و تضمین می‌کند!

واپس گریان، و فشار بر جنبش دانشجویی

واپس گریان حاکم، در چارچوب برنامه‌یی حساب شده و هدفمند، فشار بر فعالان دانشجویی و به‌طور کلی جنبش جوانان و دانشجویان را شدت بخشیده‌اند. هدف اصلی حاکمیت از وارد آوردن فشارهای مختلف به مبارزان جنبش دانشجویی، جلوگیری از بازسازی توان و امکان‌های این جنبش در وضعیت تازه، یعنی پس از تشکیل دولت جدید و آغاز به کار آن، است.

پیش از برگزاری انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری و در چارچوب برنامه مهندسی انتخابات و ممانعت از احیای بدنه اجتماعی جنبش مردمی، ارگان‌های امنیتی در اقدامی حساب‌شده، کوی دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی مرتبط با آن را زودتر از زمان موعد تعطیل کردند. رسانه‌های همگانی همان زمان نوشتند: "امسال براساس اطلاعیه این دانشگاه (دانشگاه تهران) کلیه خوابگاه‌ها از تاریخ ۲۰ خرداد تا ۲۲ تیرماه تعطیل [می] شوند. تعطیلی زودهنگام کوی دانشگاه تهران با گذشت مدتی علاوه بر احضار و تهدید برخی مبارزان و فعالان دانشجویی، رژیم با کمک انجمن‌های اسلامی وابسته به حکومت، حراست و بسیج دانشجویی فضای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را امنیتی ساخت." به‌طورمثال، پایگاه خبری "دانشجو نیوز"، در آستانه انتخابات گزارش داد: "بازدید شدن به انتخابات ریاست جمهوری، فضای دانشگاه علوم پزشکی شیراز بیش از پیش رنگ امنیتی به‌خود گرفته است. دانشجویان خوابگاه... شاهد نصب دوربین‌های مدار بسته مشرف بر خوابگاه خود بودند... در اعتراض‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، بسیاری از اوقات دانشجویان از پنجره‌های اتاق‌های خوابگاه شعار اعتراضی



رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی، خواست بی‌درنگ مردم میهن‌مان است!

با پایان برگزاری انتخابات و پیروزی حسن روحانی، یکی از جدی‌ترین و مبرم‌ترین خواست‌های مردم و همه نیروهای ترقی‌خواه و آزادی‌خواه کشور آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و رفع حصر از زهرا رهنورد، میرحسین موسوی، و مهدی کروبی است. در این زمینه باید اشاره کرد که، چنین خواستی هم در شادمانی خیابانی پس از اعلام نتیجه انتخابات و رأی "نه" بزرگ مردم به ولی فقیه و سیاست‌های آن شنیده شد، و هم در نخستین مصاحبه روحانی با رسانه‌های همگانی داخلی و خارجی نمود یافت.

خواست آزادی زندانیان سیاسی از زمره آن موردی است که مردم انتظار دارند بی‌هیچ گونه درنگی از سوی دولت جدید برآورده شود و جامه عمل بپوشد. چندی پیش مشاور ارشد میرحسین موسوی (اردشیر امیراجمند) در مصاحبه‌یی یادآوری کرد که، رأی مردم به حسن روحانی یک نه بزرگ به سیاست‌های تاکتونی حکومت بوده است و یکی از این سیاست‌ها نیز امنیتی کردن چهره کشور است. او نتیجه می‌گیرد: "اگر قرار به تغییر باشد این چهره امنیتی نیز باید تغییر کند و یکی از نشانه‌های آن نیز رفع حصر از سران جنبش سبز خواهد بود... اگر قرار باشد عقلانیت بر سیاست کشور حاکم باشد و روندها و روش‌ها تغییر پیدا کند، اولین چیزی که باید تغییر کند این است." از سوی دیگر احمد منتظری از جانب بیت آیت الله منتظری، ضمن ارسال پیام تبریک به روحانی، از جمله درخواست کرد: "امیدوارم شعار شما برای آزادی زندانیان سیاسی... جامه عمل بپوشد و این بی‌گناهان از زندان و حصر رهایی یابند... توجه دارید که زندانیان سیاسی منحصر به شخصیت‌های معروف و خدمتگزار جمهوری اسلامی نیستند، در زندان‌های شهرستان‌ها زندانیان عقیدتی و سیاسی فراوانی هستند که مظلومانه در بندند و فریادرسی ندارند."

نابار آمارهای منتشر شده، لاف ۵۴ روزنامه‌نگار و وب‌نگار در زندان به‌سر می‌برند، به علاوه، ده‌ها تن از کارگران مبارز و سندیکالیست صرفاً به دلیل دفاع از حقوق صنفی زحمتکشان و فعالیت علنی و قانونی صنفی - سندیکایی به بند کشیده شده‌اند و زندانی‌اند. پایان دادن به جو سرکوب و فضای امنیتی بدون آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی بی‌استثناء، امکان‌پذیر نیست. با سازمان‌دهی مردمی پیرامون این خواست و دیگر مطالبه‌ها، باید رژیم ولایت فقیه را وادار به عقب‌نشینی کرد.

حزب توده ایران، همراه با دیگر حزب‌ها و نیروهای میهن‌دوست، آزادی‌خواه، و مترقی، آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر از رهبران جنبش سبز را خواستار است. با اتحاد عمل و مبارزه مشترک می‌توان به خواست آزادی زندانیان سیاسی دست یافت!

ادامه رویدادهای ایران ...

سر می‌دادند ... به نظر می‌رسد این اقدام دانشگاه (نصب دوربین) برای کنترل کردن چنین حرکت‌هایی صورت گرفته باشد.

مشابه این اقدام در خوابگاه‌های اهواز و ارومیه نیز صورت گرفت. علاوه بر این‌ها، احضار و تهدید دانشجویان و ایجاد فضای ترس - چه پیش و چه پس از برگزاری انتخابات - باشد هر چه تمام‌تر در محیط‌های دانشگاهی انجام گرفته و می‌گیرد. همه این اقدام‌ها، چنان‌که اشاره شد، باهدف مهار و جلوگیری از بازسازی توان‌های جنبش دانشجویی است. یکی دیگر از سیاست‌های ارتجاع برای تضعیف هر چه بیشتر جنبش دانشجویی، محروم کردن دانشجویان از تحصیل و برنامه تفکیک جنسیتی است. به گزارش رسانه‌های همگانی، تنها در طول چند سال گذشته بیش از ۱۰۰۰ دانشجو از تحصیل محروم و یا ستاره‌دار شدند. کمیسیون حقوق بشر دفتر تحکیم وحدت، با ارایه این آمار تاکید کرده است که، شماری از این دانشجویان به دلیل فعالیت‌های مرتبط با حق تحصیل، در زندانند. به موازات ستاره‌دار کردن و محرومیت از حق تحصیل، سیاست اجرای تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها به ناسامانی و گرفتاری‌های بسیار برای دانشجویان و استادان منجر شده است. ایسنا، ۲۳ خردادماه، گزارش داد: "مدیر دفتر گسترش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آخرین آمار مراکز آموزش عالی تک جنسیتی کشور را اعلام کرد... در دانشگاه‌های دولتی تاکنون ۱۵ مجوز قطعی تک جنسیتی صادر شده است. چهار دانشگاه نیز مجوز اصولی دریافت کردند... مدیر دفتر گسترش وزارت علوم اظهار کرد، ما شرایطی را فراهم می‌کنیم تا در هر استان یک دانشگاه ویژه دختران و پسران ایجاد شود."

تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها بخشی از برنامه تقابل با جنبش دانشجویی است. در چنین اوضاعی جنبش دانشجویی کشور باید با هوشیاری به تقویت صف‌های خود بپردازد و با واقع‌بینی و طرح شعارهای صحیح، ضمن بازسازی توان خود و تحکیم رابطه با طیف وسیع دانشجویان، برنامه‌ها و سیاست‌های رژیم ولایت فقیه را در راستای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی گام‌به‌گام و مرحله به مرحله به چالش بکشد. باید همه امکان‌های موجود را در راه احیای توان جنبش دانشجویی به کار گرفت!

زندگی دشوار فرهنگیان

از زمان اجرای آزادسازی اقتصادی - برنامه هدفمندی یارانه‌ها - میلیون‌ها تن از زحمتکشان فکری و یدی کشور به دشواری‌های جدی معیشتی دچار شده‌اند. فرهنگیان به‌ویژه در سالیان اخیر در عرصه‌های مختلف کار و زندگی با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که بازتاب گسترده رسانه‌ای نداشته‌اند. خبرگزاری کار ایران، ۲۲ خردادماه، با انتشار گزارشی، ضمن اعتراف به وضعیت معیشتی ناگوار آموزگاران و دبیران سراسر کشور، از جمله نوشت: "یک فعال صنفی معلمان از عدم تناسب افزایش ۲۵ درصدی حقوق فرهنگیان با نرخ تورم رسمی اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی که موجب کاهش قدرت خرید آنان شده است انتقاد کرد... میانگین حقوق فرهنگیان به‌ازای ۲۴ ساعت تدریس در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و ۳۰ ساعت تدریس در مقطع ابتدایی ۷۰۰ هزار تومان است که با توجه به تورم افسارگسیخته‌ای که دامنگیر کشور شده، قدرت خرید آنان را به‌صورت روزانه کاهش می‌دهد."

دربخش دیگر این گزارش یادآوری می‌شود: "افزایش حقوق معلمان و فرهنگیان در سال‌های اخیر نصف تورم واقعی بوده است که قدرت خرید آنان را کاهش داده و وضعیت معیشتی‌شان را بدتر کرده است... یک‌سال است

که حق مدیریتی معاونان و مدیران مدارس را که ماهیانه بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان می‌شود پرداخت نکرده‌اند." به این ترتیب، فرهنگیان کشور ما که تربیت‌کنندگان نسل‌های فردای ایران به‌شمار می‌آیند، در اثر اجرای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی، زندگی بسیار دشواری را سپری می‌کنند، و به گذراندن آن در زیر خط فقر محکومند. به‌علاوه، آموزگاران و دبیران سراسر کشور با تحمیل دیدگاه‌ها و برنامه‌های واپس‌مانده، قشری، و خرافی بر نظام آموزشی، به‌شدت مخالفند. سالیانه بخش مهمی از بودجه وزارت آموزش و پرورش صرف استخدام و به‌کارگیری طلبه‌ها و روحانیون واپسته به نهادهایی چون موسسه پژوهشی خمینی می‌شود تا در مدرسه‌ها تبلیغ کنند. این درحالی‌است که مسئله‌هایی چون حق بیمه فرهنگیان، سطح دستمزد معلمان، و سرانه مدرسه‌ها یا پرداخت نشده و یا با کاهش بسیار جدی مواجه بوده‌اند. در گزارش مورد اشاره خبرگزاری ایلنا، در همین رابطه آمده است: "هرماه مبلغی معادل ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان برای بیمه طلایی از حقوق معلمان کسر می‌کنند که نصف این مبلغ (سه‌م) وزارت آموزش و پرورش) بعد از یکی دو ماه به حساب آنان بازگردانده می‌شود. اما یک سال است که آموزش و پرورش سهم خود را به حساب معلمان باز نمی‌گرداند... سرانه مدارس در بسیاری از مدارس پرداخت نشده است و در محدود مدرسی که پرداخت شده، یک یا دو میلیون تومان بوده است. بنابراین به یک مدرسه ۵۰۰ دانش‌آموز [مدرسه‌ی با ۵۰۰ دانش‌آموز] که باید ۱۵ میلیون تومان سرانه (بودجه) اختصاص بگیرد، در بهترین حالت یک یا دو میلیون پرداخت شده است... این مساله موجب شده است تا مدیران مدارس برای تأمین هزینه‌های جاری به روش‌های گوناگون از والدین دانش‌آموزان پول دریافت کنند... در مورد طرح هوشمندسازی مدارس... یک اتاق را در هر مدرسه به این طرح اختصاص داده‌اند، کامپیوتری قدیمی را تعمیر کرده و به‌همراه یک ویدیو پروژکتور آنجا قرار می‌دهند. سپس مدعی می‌شوند سالانه ۷ هزار مدرسه را هوشمند کرده‌اند. آموزش متمرکز، قدرت خلاقیت و نوآوری را از فرهنگیان گرفته است."

چنان‌که پیداست، نظام آموزشی حاکم بر کشور به عرصه جولان مثنی کهنه پرست و تاریک‌اندیش سودجو بدل شده است و در این میان فرهنگیان شریف و زحمتکش کشور از ابتدایی‌ترین حقوق خود محرومند و حتی نمی‌توانند سندیکیایی برای دفاع از منافع صنفی - رفاهی‌شان برپا دارند!

همبستگی با کارگران و مبارزان راه آزادی

به آزادی‌های سندیکیایی در ایران احترام بگذارید!

فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، با اطلاع از شرایط در زندان رجایی‌شهر [کرج]، بار دیگر تمکین به آزادی‌های دموکراتیک، و احترام به حقوق سندیکیایی، همچنان که در همه کشورهای رعایت می‌شود، را تقاضا می‌کند. هیچ کارگری را نمی‌توان به دلیل فعالیت اتحادیه‌ای [در اتحادیه‌های کارگری] به زندان انداخت. ما آزادی همه فعالان اتحادیه‌های کارگری و رهایی آنان از زندان‌های ایران را خواهیم.

دبیرخانه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری
آتن، یونان - ۷ تیرماه ۱۳۹۲به: رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ (۶ تیرماه ۱۳۹۲)

عالی‌جناب،

مقصود از نوشتن این یادداشت، اعلام نگرانی شدید ما نسبت به مرگ سندیکیالیست ایرانی، افشین اسانلو است که در روز ۳۰ خردادماه، در حالی که در زندان رجایی‌شهر کرج در بازداشت و زیر مراقبت مسئولان زندان بود، جان خود را از دست داد. آقای اسانلو فقط ۴۲ سال سن داشت، و حتی ماه پیش از فوتش، گزارش شده بود که در وضعیت سلامتی خوبی به‌سر می‌برد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، او از زمان بازداشتش در سال ۱۳۸۹، چندین بار مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته است. به همین دلیل، ما از شما می‌خواهیم که نسبت به انجام تحقیقی همه‌جانبه درباره مرگ آقای اسانلو اقدام کنید. رخ‌آدهایی از این قبیل، دل‌نگرانی و دلواپسی عمیقی را در جنبش سندیکیایی بریتانیا موجب می‌شود و کار سازمان‌هایی مثل حزب ما را که خواهان عادی کردن روابط با ایران، پایان دادن به تحریم‌ها، و جلوگیری از هرگونه تهدید به دخالت نظامی در ایران‌اند، بسیار دشوار می‌کند. امیدواریم که دولت شما بتواند از راه آزاد کردن همه زندانیان سیاسی، و تضمین آنکه در آینده شاهد مرگ‌هایی مثل مورد آقای اسانلو نخواهیم بود، به بازسازی روابطی نوین یاری رساند.

با احترام،

رابرت گریفیتز، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا

ادامه حماسه انتخاباتی رهبری ...

فاجعه کنونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر میهن ما تحمیل کرده است. رهبران رژیم همچنین مدعی اند که انتخابات ۹۲ برای همیشه مهر ابطال بر نظریه کودتای انتخاباتی سال ۸۸ زد و اثبات گر حکومت "مردم سالاری دینی" در ایران است. به گفته مرتجعان حاکم همان کسانی که انتخابات ۸۸ برگزار کردند مجریان انتخابات ۹۲ نیز بودند. اساس این نظریه ارتجاعی و ضد مردمی بر این پایه استوار است که "نظام سیاسی" و یا دقیق تر گفته باشیم شیوه حکومت مداری کنونی کشور دچار اشکال جدی نیست، برخی سیاست های اشتباه بوده است که از سوی رئیس جمهوری قبلی دنبال شده است و آقای روحانی با تصحیح آن به ثبات "نظام" باری خواهد رساند. به نوشته روزنامه ابتکار، عسگر اولادی، "دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری" از جمله مدعی شد که: "آقای روحانی، در میان شش نامزد حاضر در انتخابات، خیرالموجودین است... آثار این انتخاب را در آرامش مردم و کشور دیدیم. نتیجه انتخابات به مردم آرامش داد." دبیرکل سابق حزب موتلفه ادامه داد: "تاکنون چنین آثاری از اعلام نتایج یک انتخابات در جامعه را به یاد نمی آورم." عسگر اولادی با اشاره به "حوادث تلخ سال ۸۸ خاطر نشان کرد: "عده ای را دشمنان اسلام و انقلاب از روی نیرنگ و فتنه تشبیه و تحریص به شورش خیابانی و سرسپردگی به دشمن کردند. متأسفانه فرصت های پدید آمده از مشارکت ۸۵ درصدی مردم در آن انتخابات را به صورت تهدید علیه امنیت ملی درآوردند و اجازه دادند دشمنان ارزش ها و اهداف مقدس امام (ره) و رهبری انقلاب را مورد هدف نیرنگ های خود قرار دهند." و بالاخره در انتها به این نکته اشاره کرد که: "آقای روحانی فرزند حوزه و یک مجتهد انقلابی است. سوابق خدمت او به نظام و همراهی با امام و رهبری بر کسی پوشیده نیست. همه باید به او کمک کنیم تا در خلق حماسه اقتصادی نیز موفق شود. ما باید رئیس دولت منتخب را در چالش های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یاری کنیم..." (به نقل از پایگاه اینترنتی، جرس، ۸ تیر ۱۳۹۲)

البته روشن است که "حماسه اقتصادی" که عسگر اولادی و شرکا و دیگر نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری ایران خواهان آنند در مجموع ادامه همان سیاست های کلان اقتصادی ای است که میهن ما را به وضعیت اسفناک کنونی، یعنی بیش از ۳ میلیون بیکار، فقر و محرومیت شدید که حتی بر اساس آمار دولتی نزدیک به چهل درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند، تورم ۳۴ درصدی، تعطیلی بخش عمده ای از توان تولیدی کشور و در مجموع وضعیت فاجعه بار کنونی کشانده است.

اساس این صحبت ها تأکید بر ادامه راه تعیین شده از سوی "رهبری" و در نتیجه تکرار همان فاجعه ای است که ما اکنون با آن دست به گریبان هستیم. روشن است که برای کسانی که مسئول مستقیم وضعیت کنونی اند و رای ۱۸ میلیونی مردم را رای به "نظام" می دانند موضوع سیاست های آینده نیز روشن و تبیین شده است. "حرکت در خط رهبری" و "ذوب شدن در ولایت".

کمیته مرکزی حزب ما در اعلامیه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۲، ضمن اشاره به مهندسی انتخابات از سوی رژیم ولایت فقیه، همچنین بر این موضوع تأکید کرد که: "رای ۱۸ میلیونی مردم به حسن روحانی، که اصلاح طلبان از او اعلام حمایت کردند، در حقیقت نشانگر خواست مردم برای تغییر وضعیت کنونی، و در عین حال، خارج شدن از بن بست است که، هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی-اجتماعی جامعه ما را در بر گرفته است، و همچنین به دلیل ۸ سال سیاست های فاجعه بار دولت محمود احمدی نژاد و گزینش های کلان اعلام شده از سوی ولی فقیه رژیم است. فشار های کمرشکن اقتصادی، به خصوص تحریم های کشورهای غربی و تأثیرهای مخرب آن و دیگر سیاست های اقتصادی رژیم، از جمله سیاست "هدفمند کردن یارانه ها" آنچنان وضعیت دهشتناک و اسف باری را در میهن ما پدید آورده اند که مردم به هر روزنه یی برای راهایی از آن روی می آورند... ولی فقیه رژیم و سران ارتجاعی نه تنها کوچکترین تمایلی به تحقق "مردم سالاری دینی" ندارند، بلکه همانطور که تجربه هشت سال دولت اصلاحات نشان داد، آماده اند همه امکان های شان را به کار گیرند تا با کار شکنی و بحران سازی اجازه ندهند تا گامی در مسیر دست یابی

به خواست های جنبش مردمی برداشته شود. امروز نیز، با انتخاب شدن حسن روحانی، بدون حضور نیروها و جنبش مردمی در صحنه، بدون حرکت آگاهانه اجتماعی، بدون وادار کردن دولتمردان به قبول

تفاوت در اندیشه اتحاد در عمل مبارزه با دیکتاتوری

خواست های توده های میلیونی محرومان و زحمتکشانی که سال هاست زیر خط فقر زندگی می کنند، سرنوشت این شعارها همانند شعارهای دیگری خواهد بود که مردم ما در سی سال گذشته از زبان رهبران حال و گذشته رژیم شنیده اند و بازهم خواهند شنید. (به نقل از "نامه مردم، شماره ۹۲۳، ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۲) از صحبت های سران رژیم و همچنین ارزیابی های کارشناسان خارجی این استنباط را می توان کرد که وظیفه عمده حسن روحانی در شرایط کنونی تمرکز بر سر مسئله عادی سازی روابط با کشورهای غربی و رسیدن به توافق بر سر تخفیف و در انتها پایان دادن به تحریم های اقتصادی است، که به رغم همه ادعاهای دروغین ولی فقیه و دیگر سران کشور، بنیه اقتصادی کشور را در هم شکسته است. شریعتمداری، شکنجه گر و سردبیر کیهان ضمن اشاره به ضرورت "اعتماد سازی" در زمینه سیاست هسته ای همچنین مدعی شد که: "روحانی امروز یقیناً به مراتب کارآزموده تر و دشمن شناس تر از روحانی ۱۰ سال پیش است. همان گونه که محل وثوق و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و همچنان که جایی تصریح کرده مطمئن باشید من به نحوی رفتار می کنم که حتی آب در دل نظام و رهبری تکان نخورد..."

بدیهی است که حزب توده ایران مانند هر نیروی میهن دوست و مردمی دیگر از هر ابتکاری که به کاهش تنش و لغو تحریم های مداخله جویانه کشورهای امپریالیستی بیانجامد استقبال خواهد کرد ولی موضوع اساسی این است که وضعیت فاجعه بار کنونی اقتصادی کشور بدون تغییر سیاست های کلان بهبود نخواهد یافت و پدیده فقر و محرومیت گسترده و میلیونی توده های کار و زحمت همچنان ادامه خواهد یافت. محمد خاتمی، در سخنرانی خود، در دیدار با اعضای شورای مرکزی و هیأت رئیسه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، ۲۹ خرداد ماه، نسبت به بالا نبردن سطح توقعات مردم از دولت روحانی اشاره کرد و از جمله گفت: "مواظب باشیم شتاب زدگی نکنیم که توقعات بیجا از دولت ایجاد نشود؛ دولت معجزه نمی تواند بکند. فقط می گویم اگر مردم برای حفظ نظام از تغییر می گویند، رویکردها تغییر کند و اندک اندک پیش برویم. فردا تورم و بیکاری ویران کننده از بین نخواهد رفت و روابط خارجی اصلاح خواهد شد. نباید این توقعات را داشته باشیم و در آن صورت کسانی که شکست خوردند نماینده مطالبات افراطی و فشار آورنده به دولت خواهند بود..."

مسأله اساسی هم در همین جاست که بدون حضور نیرومند جنبش مردمی در صحنه و تأکید بر خواست های جنبش و تغییر سیاست و جهت، دولت آینده هم همچون دولت های گذشته در مجموع خدمتگذار ساختار قدرت سیاسی-اقتصادی کنونی خواهد بود. تصور اینکه گویا با گنجاندن چند چهره اصلاح طلب مورد تأیید "بیت رهبری" در دولت آینده می توان معضلات عظیم کنونی را حل کرد خاک پاشیدن به چشم توده ها و ضربه زدن به کار مهم بازسازی جنبش مردمی است که در جریان کودتای خرداد ۸۸ متحمل ضربات سنگینی شد.

رژیم در پی مهندسی موفق انتخابات، اکنون در صدد مهندسی جنبش اصلاحات و باز تعریف خواست ها و مطالبات آنها در چارچوب های مورد قبول "رهبری" است. تن دادن به این برنامه و خواست، اثرات منفی طولانی مدتی برای میهن ما و تلاش توده ها برای استقرار یک حاکمیت متکی بر اراده مردم خواهد داشت. خواست های فوری و عاجلی همچون آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی، پایان دادن به سرکوب حقوق و آزادی ها سندیکایی، پایان حصر میرحسین موسوی، کروبی و رهنورد، لغو سیاست فاجعه بار "هدفمند کردن یارانه ها"، به کار انداختن امر تولید داخلی و ایجاد فرصت های شغلی برای تخفیف بیکاری مزمن، از جمله خواست هایی است که باید حول آن به سازمان دهی وسیع پرداخت. همان طور که اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما اشاره کرد: حرکت میهن ما به جلو، و نجات از وضعیت دهشتناک کنونی، تنها با حرکت متحد و سازمان یافته همه نیروهای اجتماعی و اصلاح طلب پیرامون خواست های مشخص همراه با کنش اجتماعی مشخص، امکان پذیر است. باید در راه به عمل درآوردن این امر همه تلاش ها را به کار گرفت.

شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست حزب های کارگری و کمونیستی خاورمیانه، در آتن

در مخالفت با جنگ، در همبستگی با مبارزه خلق های منطقه! گزارش شرکت حزب توده ایران در نشست حزب های کمونیست خاورمیانه

با توجه به عمیق تر شدن بحران سیاسی در منطقه در ماه های اخیر و به ویژه وسعت یافتن بُعدهای رخدادهای خطرناک در سوریه و خطر شرکت مستقیم نیروهای کشورهای امپریالیستی در این درگیری ها، جلسه مشورتی اضطراری حزب های کمونیست و کارگری منطقه خاورمیانه، ۳۰ تا ۳۱ خردادماه، در آتن، پایتخت یونان، برگزار شد. میزبانی این همایش با عنوان: "در حمایت از حق مردم به انتخاب مسیر توسعه کشورشان، مخالفت با جنگ امپریالیستی و بهره کشی سرمایه داری" را حزب کمونیست یونان برعهده داشت. برگزاری این همایش در زمانی که رخدادهای چشمگیر و مهمی در منطقه خاورمیانه - از خلیج فارس گرفته تا شرق مدیترانه شرقی - در حال شکل گیری اند، از جمله شدت پیدا کردن رقابت های درونی بین امپریالیستی، بالا گرفتن شدت تجاوز امپریالیستی برضد سوریه و ایران، خطر شعله ور شدن جنگ امپریالیستی جدید، اعتراض مدنی هفته های اخیر مردم در ترکیه و کشورهای دیگر به سیاست های ضد مردمی محفل های حاکم، اهمیت بحث ها و تصمیم گیری های آن را بیشتر می کند.

تیم حزب کمونیست منطقه در این اجلاس شرکت داشتند که عبارت بودند از: حزب توده ایران، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست اردن، حزب مردم فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست اسرائیل، حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر، حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اکل) و حزب کمونیست یونان. نمایندگان حزب کمونیست سوریه (متحد) و حزب کمونیست مصر به دلیل شرایط دشوار مبارزه در کشورهایشان نتوانستند در این اجلاس شرکت کنند. آن ها با ارسال پیام هایی حمایت خود را از این نشست و مصوبه های آن اعلام کردند. با سخنرانی رفیق "دیمتری کوتسوبا"، دبیرکل جدید حزب کمونیست یونان، که در نوزدهمین کنگره حزب برادر در اواخر فروردین به این سمت انتخاب شد، همایش آغاز گردید. رفیق کوتسوبا در سخنرانی اش درباره بحران کنونی سرمایه داری، تضادهای بین امپریالیست ها در منطقه، مداخله های وقیحانه امپریالیست ها در تحول های داخلی کشورها، و خطر شعله ور شدن جنگ جهانی ای تازه از سوی امپریالیسم، به توضیح پرداخت. او به نقش مهم سندیکاهای کارگری مستقل و مبارز، و همچنین ضرورت بسیج جنبش زنان و جوانان در اتحاد با کارگران، اشاره کرد.

رفیق ماری ناصیف دس، معاون دبیرکل حزب کمونیست لبنان، در سخنانش به تشریح اثرهای مداخله در سوریه بر اوضاع لبنان و از جمله دخالت نیروهای مذهبی در درگیری های سوریه از هر دو طرف پرداخت. او به ضرورت تقویت مقاومت در برابر برنامه های امپریالیستی در منطقه اشاره کرد و یادآور شد که، قدرت گیری "آخوان المسلمین" به این طرح های امپریالیستی کمک می کند. رفیق عاقل طغز، نماینده حزب مردم فلسطین، به نقش مخرب "آخوان المسلمین" و اسلام سیاسی در کشورهای خاورمیانه پرداخت، و گفت که چگونه این نیروها در جریان قیام های موسوم به بهار عربی، با سوار شدن بر امواج نارضایتی های برحق مردم [به قدرت رسیدند] و اینک در حمایت از طرح های امپریالیستی عمل می کنند.

رفیق عمار بگدش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، در سخنرانی خود به تصویر جنبه های مختلف مقاومت قهرمانانه مردم سوریه پرداخت و به آسیب عظیم ناشی از عملیات مسلحانه گروه های تروریستی این کشور که از سوی امپریالیست ها حمایت و تسلیح می شوند، و در رابطه با پایه های تولیدی و اقتصاد کشور اشاره کرد. او به سیاست های نولیبرال دولت بشار اسد که صدمه های سختی به استانداردهای زندگی مردم از جمله از راه افزایش قیمت کالاهای اساسی وارد آمد، اشاره کرد. رفیق بگدش در رابطه با شرایط بسیار دشوار مبارزه توضیحاتی داد و اظهار داشت که، بحث مسئله مرگ و حیات کشور مطرح است. او در رابطه با سیاست دولت سوریه برای تشدید فعالیت های نظامی برای پس گرفتن کنترل برخی شهرها و مناطق

کلیدی توضیح داد و آن را برای دفاع از تمامیت ارضی سوریه ضروری دانست. در این رابطه در هفته های اخیر نیروهای دولتی موفقیت هایی داشته اند. به موازات این امر کشورهای امپریالیستی و به ویژه آمریکا، انگلستان، و فرانسه سیاست خطرناک مداخله مستقیم در درگیری ها و حمایت از نیروهای اسلامی مرتجع مخالف دولت را در پیش گرفته اند.

مسئله نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران وسیعاً مورد توجه حزب های شرکت کننده بود، و تحلیل حزب توده ایران در رابطه با شرایط برگزاری آن، بحران اقتصادی و سیاسی کشور، اثر مخرب تحریم ها، موضع گیری های طبقاتی کاندیداهای مجاز به شرکت در انتخابات، سیاست رژیم برای تخفیف فشار بحران، در سخنرانی ای مفصل برای نمایندگان حزب های برادر و کادرها و رهبران حزب کمونیست یونان، که در اجلاس حضور داشتند، ارائه شد. این تحلیل مورد توجه زیاد قرار گرفت. گزیده هایی از این سخنرانی در این شماره نامه مردم منتشر شده است.

در حاشیه اجلاس، ملاقات ها و بحث های مفیدی با نمایندگان حزب های برادر از ترکیه، سوریه، اسرائیل، لبنان، پاکستان، و قبرس انجام گرفت. مسئله نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در ایران در این بحث ها مطرح شد. در حاشیه برگزاری همایش، به درخواست رهبری حزب کمونیست یونان، جلسه تبادل نظر با رفیق مارینو، عضو هیئت سیاسی و دبیرخانه حزب برادر، برگزار شد. در این ملاقات که در محل دفتر مرکزی حزب برادر در آتن برگزار شد، رفیق مارینو سیاست های حزب کمونیست یونان در رابطه با شرایط دشوار یونان، در رابطه با بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی - مالی در اتحادیه اروپا که اقتصاد این کشور را ورشکسته کرده است، و مسیر استراتژیک مبارزه کمونیست های یونان برای سرنگونی حاکمیت سرمایه را تشریح کرد. ایشان به طور مشخص در مورد کوشش حزب برای گسترش نفوذش در اتحادیه های کارگری در حکم نقشه راهی توضیح داد. نماینده حزب توده ایران در سخنان و توضیحات خود به مبارزه حزب در شرایط ویژه مرحله کنونی تحول ها، فعالیت حزب در شرایط غیرقانونی، ضرورت مبارزه برای دموکراسی در مسیر ایجاد پیش شرط های مبارزه برای تحول های بنیادین، سیاست محوری حزب در رابطه با جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برگزاری کنگره ششم حزب، تصویب برنامه و اسناد مهم، از جمله در باره توطئه های رژیم برای مختل کردن مبارزه حزب در جامعه، اشاره کرد. رفیق جورج مارینوس، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، در خاتمه بحث های حزب های شرکت کننده و ارائه نظرهای آن ها، با جمع بندی بحث های همایش تاکید کرد که، این جلسه ها به مطالعه و درک بهتر و همه جانبه تری در رابطه با تحول های پیچیده منجر می شود. وی تاکید کرد که، به این مطالعه و تبادل نظرها باید ادامه داد تا با معیارهای طبقاتی غنی شود. او افزود: کمونیست ها در خط مقدم سازماندهی مبارزه های توده ای برای سرنگونی سرمایه داری قرار دارند. نمایندگان حزب های شرکت کننده در اجلاس در انتها و پس از بحث و تبادل نظرهای ضرور، بیانیه نهایی نشست را به تصویب رساندند. به پیشنهاد نماینده حزب، مسئله ضرورت همبستگی با مبارزات مردم زحمتکشان ایران و حزب توده ایران و محکوم کردن سیاست های رژیم ولایت فقیه در رابطه با اتحادیه های کارگری و سندیکائی در این بیانیه مورد تاکید قرار گرفت. بیانیه مصوب همچنین تهدید جنگ و مداخله خارجی در ایران از سوی امپریالیسم را مردود شمرد، و تعیین مسیر مبارزه برای آینده کشور را حق مردم ایران دانست.

هیئت نمایندگی حزبمان در طول اقامت خود در آتن همچنین با رفیق جورج ماوریکوس، دبیرکل فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و رفیق ایراکلیس، دبیر اجرایی شورای جهانی صلح، ملاقات هایی داشت. در دیدار با دبیرکل فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، که با همراهی عضوی از هیئت اجرایی فدراسیون برگزار شد، مشکل های کارگران کشور و از جمله سرکوب سندیکاهای مستقل کارگری و دستگیری فعالان کارگری، بیکاری های گسترده و خصوصی سازی صنایع و کارخانجات تولیدی، و همچنین مسئله نیاز به مبارزه برای برداشتن تحریم های اقتصادی مورد توجه و تبادل نظر قرار گرفت. در این نشست که در فضائی بسیار رفیقانه برگزار شد، رفیق ماوریکوس حمایت فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری از مبارزه سندیکالیست ها و فعالان کارگری ایران را مورد تاکید قرار داد. در ملاقات با رهبری شورای جهانی صلح، که در محل دفتر شورای جهانی صلح انجام شد، با دبیر اجرایی شورا و همچنین مسئول کمیته خاورمیانه آن و در رابطه با خطرهایی که صلح منطقه را تهدید می کند و راه های موثر بسیج افکار بین المللی برای مقابله با آن ها، گفت و گو و همفکری شد.

ادامه شرکت هیئت نمایندگی حزب ...

گزیده ای هایی از سخنرانی نماینده حزب توده ایران در:
نشست حزب های کمونیست و کارگری منطقه خاورمیانه

هم صدایی آمریکا، اتحادیه اروپا، و ترکیه - هوادار دموکراسی
لیبرالی - با دیکتاتوری های عربستان و قطر، در حمایت از
عقب مانده ترین نیروهای کهنه گرای مذهبی و نیروهای اسلامی
سرکوبگر سلفی به منظور سرکوب و محو هرگونه نوگرایی، حقوق
بشر، و حقوق دموکراتیک

”رفقای گرامی،

از طرف حزب توده ایران، از این فرصت استفاده می کنم و از حزب
کمونیست یونان برای پیش قدم شدن در برگزاری نشست منطقه ای حزب های
کمونیست و کارگری خاورمیانه، تدارک، و میزبانی آن، تشکر می کنم. ما به
موضع گیری حزب کمونیست یونان در دفاع از مبارزه مردم این منطقه در راه
صلح، حقوق بشر، حقوق دموکراتیک، و عدالت اجتماعی، ارج فراوان می نهیم.
ما برای حزب کمونیست یونان در مبارزه دشوارش در راه صلح و سوسیالیسم
در یونان، آرزوی موفقیت کامل داریم.

خاورمیانه این روزها فصل بسیار حساس و خطرناکی از تاریخش را
می گذراند، و رخدادهای اخیر می تواند پیامدهای پُراهمیتی برای ملت های
سوریه و فلسطین دربرداشته باشد. به علاوه، ترکیه، ایران، و عراق نیز از اثر این
پیامدها برکنار نخواهند ماند. این نشست مهم در دهمین سالگرد جنگ
جنايتکارانه آمریکا و بریتانیا بر ضد عراق و اشغال آن کشور، برگزار می شود. ما
همچنین تنش بی سابقه ای را در منطقه شاهدیم که افزایش برخورد های نظامی
در سوریه، تهدیدهای آشکار به حمله نظامی بر ضد ایران، بی ثباتی در پاکستان
و عراق، و اعتراض های مردمی فزاینده در ترکیه از نشانه های آن است. در
اواخر فروردین ماه (آوریل)، چاک هنگل، وزیر دفاع جدید آمریکا، در جریان
دیدارش از اسرائیل اعلام کرد: ”کلام آخر اینکه ایران یک عامل تهدید است،
یک تهدید واقعی.“ این گفته بسیار تحریک کننده و خطرناک فقط دو روز پس
از زمانی بیان شد که پنتاگون اعتراف کرد که، در حال نهایی کردن قراردادهای
فروش تسلیحاتی به مبلغ ۱۰ میلیارد دلار است تا توان نظامی اسرائیل و دو
کشور کلیدی خصم ایران - یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عربی - را
تقویت کند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که، تهدید ایران به
به اصطلاح ”ضربه نظامی محدودی“ از سوی آمریکا یا دست نشانده اش، یعنی
دولت دست راستی اسرائیل، هنوز در دستور کار محفل های افراطی امپریالیستی
باقی است، و همین اخیراً هم سنای آمریکا اعلام کرد که، در صورتی که
اسرائیل تصمیم بگیرد به تنهایی به ایران حمله کند، از آن کشور حمایت خواهد
کرد. در سه سال گذشته، و در پی شکل گیری جنبش های مردمی در کشورهای
عربی که به سرنگون شدن رژیم های آمریکایی حسنی مبارک در مصر و
بن علی در تونس انجامید، ما مداخله مستمر امپریالیست ها در خاورمیانه را به
شکل های گوناگونی شاهد بوده ایم: از به کارگیری شیوه های خشونت آمیز و
نیروی نظامی مستقیم در لیبی و بحرین، تا جنگ های و کالتی پنهانی در سوریه
(تا این لحظه). پیامدهای این سیاست های برتری طلبانه همیشه یکسان بوده
است: مرگ و ویرانی برای ملت های این کشورها و عقب گرد بیشتر در
مبارزه شان در گذار به مرحله دموکراتیک ملی.

رفقای گرامی،

ما زمانی در این کنفرانس گرد هم آمده ایم که چند هفته پیش، نمایندگان
سیاسی قدرت های ”نا تو“، صنایع تسلیحاتی فراملی، و سلطان نشین های
دیکتاتوری عرب، در ترکیه با یکدیگر دیدار کردند تا نقشه های توطئه گرانه شان
بر ضد مردم سوریه و آینده آن کشور را تنظیم کنند. رویدادهای سوریه را بدون
ارتباط با آنچه در کل منطقه خاورمیانه می گذرد نمی توان ارزیابی کرد. جان
کری، وزیر امور خارجه آمریکا، که در اواخر فروردین ماه (آوریل) در نشست
به اصطلاح ”دوستان سوریه“ در ترکیه شرکت داشت، خیلی صریح گفت که،
آمریکا قصد دارد کمک های خود به مخالفان دولت سوریه را دو برابر کند. او از
مناسب بودن موقع برای ”دخالته در برخوردهای سوریه“ صحبت کرد. در جایی
که شورشیان ارتجاعی جهادی که به وسیله دیکتاتوری های عربستان و قطر تا
بُن دندان مسلح شده اند و عمده ترین نیروی اند که ترور، وحشت، و ویرانی را بر
شهرهای سوریه به همراه می آورند، وزیر امور خارجه آمریکا خواستار آن می شود
که ”همه با هم هماهنگ باشند“. این یعنی اینکه ”قطری ها، سعودی ها،
اماراتی ها، ترک ها و اروپایی ها“ همه باید هدفی یکسان را دنبال کنند. توجه به
این نکته مهم است که اعتراف جان کری به این موضوع، به طور تلویحی به
این معناست که آمریکا، اتحادیه اروپا، و ترکیه - که همگی هم ظاهراً هوادار
دموکراسی لیبرالی اند - همان هدفی را دنبال می کنند که حکومت عربستان

سعودی و قطر هم - یعنی حکومت هایی که عقب مانده ترین نیروهای
کهنه گرای مذهبی و نیروهای اسلامی سرکوبگر سلفی را به منظور
سرکوب و محو هرگونه نوگرایی، حقوق بشر، و حقوق دموکراتیک به
کشورهای دیگر صادر می کنند - در پی آنند. اینک که اتحادیه اروپا تحریم
ارسال تسلیحات به سوریه را برداشته است تا فروش اسلحه به شورشیان
ضد دولتی به اصطلاح ”میانرو“ امکان پذیر گردد، بی تردید برخورد ها و
تنش به طور چشمگیری شدت خواهد یافت. هفته پیش، آمریکا این ادعا را
که دولت سوریه از سلاح شیمیایی استفاده کرده است دستاویز قرار داد و
اعلام کرد که، به نیروهای به اصطلاح ”زمنندگان آزادی“ اسلحه خواهد
داد. دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، نیز از تصمیم اوباما به قرار دادن
اسلحه در اختیار شورشیان استقبال کرد. این شورشیان چشم شان به
دست ”نا تو“ است تا مشابه همان پیروزی ای را که دودستی به نیروهای
ضد قذافی در لیبی تقدیم کردند، برای ایران نیز فراهم کنند. تونی بلر،
نخست وزیر پیشین بریتانیا و یکی از طراحان تجاوز به عراق، در سال
۱۳۸۱، روز شنبه ۲۵ خردادماه، اظهار داشت که، بریتانیا باید شورشیان
سوری را مسلح کند و درباره برقراری یک منطقه پرواز ممنوع در آسمان
سوریه تصمیم بگیرد تا از این طریق از ”پیامدهای فاجعه بار“ جلوگیری
شود. نخست وزیر پیشین بریتانیا گفت که، کاربرد سلاح های شیمیایی از
سوی دولت سوریه و درگیر شدن ایران در جنگ داخلی سوریه به معنای
آن است که دخالت غرب ضرورت یافته است.

واقعیت این است که، سیاست هایی که آمریکا و متحدان آن در
کشورهای عضو اتحادیه اروپا دنبال می کنند، پشتوان به وجود آمدن
بی ثباتی و تداوم آن در این منطقه بوده است. لیبی، مصر، لبنان، و عراق،
همه به میزان هایی متفاوت در بحران سیاسی دست و پا می زنند، بحرانی
که به طور عمده از دست درازی و دخالت های مستقیم امپریالیستی ناشی
شده است. اوضاع سوریه به طور مستقیم زیر تاثیر رخداد های کشورهای
همسایه آن و سیاست های ارتجاعی و شرم آوری است که از سوی ترکیه
دنبال می شود. و در ایران، مردم بر اثر تحریم های اقتصادی بی رحمانه و
تهدید نظامی به منظور ”تغییر رژیم“ به بهانه خطر ایران هسته ای، زیر
فشار سنگینی قرار دارند. آمریکا مصمم است که اجازه ندهد هیچ نیرویی
در این منطقه، حاکمیت برتری گرایانه آن یا سیاست های تجاوزکارانه
متحد راهبردی آن، یعنی دولت اسرائیل، را به چالش کشد....“
”آنچه آمریکا و متحدانش می خواهند، خاورمیانه بی بی ثبات است که
سال های سال دخالت مستقیم سیاسی - نظامی و اقتصادی آمریکا را در
منطقه توجیه خواهد کرد؛ و هدف دیگر نیز، نظامی شدن منطقه است که
وضعیت سیاسی - اجتماعی توسعه نیافته کنونی منطقه خاورمیانه را تداوم
خواهد بخشید. ذخیره های نفت و گاز خاورمیانه، بازارهای گسترده و
دست نخورده آن، و موقعیت راهبردی ژئوپولیتیک [جغرافیای سیاسی] آن،
سبب شده اند که امپریالیسم این منطقه را برای طرح های خود در راستای
تأمین و تضمین تسلط و سرکردگی اش، منطقه بی حیاتی محسوب کند.

رفقای گرامی،

حزب توده ایران، همراه با همه نیروهای ترقی خواه ایران، با هرگونه
ماجراجویی نظامی در منطقه قاطعانه مخالف است، ماجراجویی ای که
بی تردید پیامدهای فاجعه باری برای همه مردمی دربر خواهد داشت که در
راه دموکراسی واقعی، پیشرفت، و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند. به
اعتقاد ما، خدمت واقعی ما به صلح جهانی و ایجاد خاورمیانه بی پیشرو و
صلح آمیز، به طور عمده از راه تأمین و تضمین ایرانی مستقل، دموکراتیک،
شکوفه، و صلح آمیز میسر خواهد شد.

در ۳۴ سال گذشته ما در برخورد با شکل های گوناگون مداخله های
امپریالیستی تجربه مستقیمی داشته ایم. از زمان پیروزی انقلاب بزرگ
ایران در سال ۱۳۵۷ تا امروز، ما تقریباً به طور مداوم با مداخله در امور
کشورمان روبه رو بوده ایم. جنگ ایران - عراق، که در سال ۱۳۵۹ از سوی
امپریالیسم و به دست صدام حسین به راه انداخته شد و ۸ سال به درازا
کشید، بیشتر از یک میلیون کشته و زخمی به جا گذاشت و سبب ویرانی
عظیم زیرساخت های کشور و بی خانمانی و آوارگی میلیون ها تن در هر
دو کشور شد. آمریکا و متحدان آن از حق ایران در دستیابی به فناوری
هسته ای برای هدف های صلح آمیز سوء استفاده کرده و به بروز تشنج در
ارتباط با ایران دامن زده اند، که امنیت کشور ما را به خطر انداخته است.
این امر خود موجب تقویت دیکتاتوری حاکم بر ایران و انحراف توجه ها
از تضادهای داخلی کشور شده است. امروزه، مردم ایران با تحریم های
اقتصادی مداخله گرانه و ویرانگر آمریکا دست به گریبانند که ارمغان آن
برای مردم ایران کشور چیزی نبوده است جز فقر، بیکاری و تیره روی
میلیون ها تن از جمعیت. مردم کشور ما معنای دخالت امپریالیستی را با
تمام وجود درک می کنند. پیامدهای
ویرانگر و غیرانسانی این تحریم ها

ادامه شرکت هیئت نمایندگی حزب ...

ناگزیر بر شیوه‌هایی که مردم از روی ناچاری برای کاهش دادن تیره روزی تحمیل شده بر آنان به کار می‌برند، تأثیر گذاشته است ...

... مسئله واقعی در رودرویی کنونی، به نقشه‌های راهبردی درازمدت امپریالیسم آمریکا به منظور کنترل خلیج فارس و ذخیره‌های گسترده انرژی آن بیشتر مربوط است. اشغال نظامی عراق، سرنگون کردن رژیم لبیبی، تلاش برای "تغییر رژیم" در سوریه، و حضور گسترده نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، همگی گواه روشنی‌اند بر نقشه‌های درازمدت آمریکا. افزون بر این‌ها، سیاست‌های دولت دست‌راستی اسرائیل در برابر آرمان فلسطین، که از سوی آمریکا نیز پشتیبانی می‌شود، همچنان یکی از علت‌های اصلی تشنج و برخورد نظامی در منطقه ماست.

بنابراین، روشن است که ادعاهای آمریکا و متحدانش در مورد نگرانی آن‌ها از خطر وجود سلاح‌های هسته‌ای در منطقه، چیزی نیست جز پوششی از برای پنهان داشتن نقشه‌های واقعی آمریکا، درست همان‌طور که بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق پوششی از برای تجاوز به آن کشور و به زیر کشاندن صدام حسین بود.

فعالان صلح در ایران، همراه با همه نیروهای ترقی‌خواه منطقه، خواستار خاورمیانه‌یی بدون سلاح‌های هسته‌ای‌اند، و در راه این هدف مبارزه می‌کنند. اما راه رسیدن به این هدف این نیست که ایران از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود دست بردارد، بلکه مهم‌ترین گام در این راه آن است که متحدان کلیدی آمریکا، یعنی اسرائیل و پاکستان، سلاح‌های اتمی کشتار جمعی خود را به‌طور کامل کنار بگذارند.

نیروهای ترقی‌خواه ایران، از جمله حزب توده ایران، به صراحت اعلام کرده‌اند که، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از سوی ایران، به اصولاً از سوی هر کشوری، حق قانونی آن‌هاست و به اجازه یا تأیید دولت‌های اروپایی یا آمریکا نیازی ندارد. روشن است که راه برون‌رفت از بحران کنونی که می‌تواند تأثیری جدی بر صلح جهانی داشته باشد و به مناقشه‌ها و برخوردهای بیشتری منجر شود، نه تهدید به حمله نظامی بلکه گفت‌وگوی واقعی و هدفمند، مذاکره در سطح بین‌المللی، و اعتمادسازی است.

رفقای گرامی،

ما با هرگونه تجاوز یا جنگ برضد ایران قاطعانه مخالفیم. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اثر زخم‌های جنگ هشت ساله عراق با ایران هنوز بر تن مردم ایران است. مردم ایران به‌شدت نگران برخورد نظامی دیگریند.

علاوه بر این، اشغال نظامی فاجعه‌بار عراق (و به همین ترتیب افغانستان) و پیامدهای فجیع آن، از جمله کشته شدن صدها هزار تن غیرنظامی، به‌روشنی نشان می‌دهد که قربانیان اصلی هر جنگی، زیر هر پوشش و بهانه‌ی که باشد، مردم عادی و غیرنظامیان‌اند.

همچنین، درک اوضاع پیچیده ایران و مبارزه نیروهای ترقی‌خواه و فعالان صلح‌دوست با دیکتاتوری دین‌سالار (ولایی)، که به‌عمد در پی به‌وجود آوردن تنش و در نتیجه آن انزوای کشور است، بسیار اهمیت دارد. در سه دهه گذشته، رژیم حاکم با بهانه تهدید خارجی، از این سیاست در عرصه داخلی و به منظور انحراف توجه‌ها از دشواری‌های عظیم داخلی بهره‌برداری کرده است. در چهار سال گذشته، یعنی از زمان انتخابات تقلب‌آمیز ریاست جمهوری در سال ۸۸ که در آن احمدی‌نژاد را با اعمال زور و خشونت دوباره بر کرسی ریاست جمهوری نشاندهند، ما شاهد تشدید نقض حقوق بشر و حقوق دموکراتیک در ایران بوده‌ایم. نشانه‌های این سرکوب را می‌توان در ایراد فشارهای امنیتی بر فعالان سندیکایی مستقل و بر فعالان حقوق زنان، و در حضور نیروهای امنیتی در دانشگاه‌ها دید. به علاوه، بسیاری از سایت‌های اینترنتی، رسانه‌ها، خروجی‌های خبررسانی، و روزنامه‌های مستقل را تعطیل کرده‌اند. در دو دوره دولت احمدی‌نژاد - با پشتیبانی ولی فقیه (علی خامنه‌ای) - الگوهای صندوق بین‌المللی پول را برای به‌اصطلاح "تعدیل اقتصادی" تمام و کمال پیاده کردند، و در نتیجه "شوکرمانی" اقتصادی راست‌گرایانه، مردم ایران متحمل سختی‌ها و تباهی‌های اساسی شدند.

ایران همچنان دارای اقتصادی است وارداتی همراه با صادراتی تک‌محصولی، که همان نفت خام است. به همین دلیل، اقتصاد ایران به‌شدت به نرخ تبدیل دلار وابسته است. اقتصاد کشور زیر سلطه سرمایه‌داری تجاری غیرتولیدی به‌شدت فاسدی است، که در اتحادی نامقدس با بورژوازی دیوان سالار (بوروکراتیک)، در رده‌های بالای قدرت حکومتی جای گرفته است. جناح‌های سیاسی پر قدرتی که این قدرت‌های اقتصادی الیگارش را نمایندگی می‌کنند، در عین حال که با "زهر" علی خامنه‌ای، بیعت می‌کنند، برای کسب نفوذ سیاسی بیشتر و تأمین و تضمین منافع اقتصادی‌شان، با یکدیگر رقابت هم دارند. همه این‌ها از اقتصاد سیاسی‌ای به‌شدت ناعادلانه در کشور سود می‌برند که از راه اعمال زور و خشونت دیکتاتوری حفظ می‌شود. نیروهای

ترقی‌خواه به‌سختی در هم کوبیده شده‌اند و برپا کردن سندیکاها مستقل و فعالیت آن‌ها اکیداً ممنوع است. انتخابات به‌نحوی بسیار غیردموکراتیک برگزار می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری اخیر در روز ۲۴ خردادماه، به‌دقت مهندسی شده بود تا ادامه حیات دیکتاتوری دین‌سالار (ولایی) تضمین شود. جناح‌های بانفوذ و قدرتمند درون رژیم با یکدیگر رقابت دارند و گاهی نیز رودرروی هم قرار می‌گیرند، اما کنش و واکنش‌های رژیم حاکم به مرحله‌یی از بلوغ رسیده است که در تحلیل نهایی، عمل همه جناح‌ها در وحدت با یکدیگر و به حفظ و بقای دیکتاتوری دین‌سالار (ولایی) می‌انجامد.

انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خردادماه در زمانی برگزار شد که ایران با بحران همه‌جانبه بی‌سابقه‌یی روبه‌رو بود. ورشکستگی اقتصادی در نتیجه سیاست‌های اقتصادی کلانی که از سوی رژیم دنبال شده است، فساد بی‌سابقه در دستگاه دولتی، کاهش ارزش پول ملی، افت تولید و ورشکستگی واحدهای تولیدی، بیکاری میلیون‌ها کارگر، همگی از مشخصه‌های این بحرانند. تحریریه‌های اقتصادی، اقتصاد ایران را به زانو درآورده است. رژیم به‌روشنی کامل اعلام کرد که تمایلی ندارد، و اجازه هم نخواهد داد، که نامزدی دگراندیش و به‌طور واقعی اصلاح‌طلب در انتخابات شرکت کند. هر نامزدی را که ممکن بود سیاست‌های کلیدی رژیم را به این یا آن طریق به چالش بکشد، پیش از انتخابات از شرکت در انتخابات بازداشته شد. نامزدهایی که اجازه یافتند نام‌شان بر برگه‌های رأی بیاید، همگی خدمت‌گزاران از مومن پس داده و قابل اعتماد رژیم دین‌سالار (ولایی) بودند. ولی فقیه رژیم پیش از انتخابات به‌صراحت اعلام کرده بود که، هیچ نامزد ترقی‌خواه یا طرفدار اصلاحاتی، یا در واقع هیچ‌کسی که در برابر او و رژیم دین‌سالار چالش برانگیز باشد، نمی‌تواند در انتخابات شرکت کند. حسن روحانی، که ۱۶ سال دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است و از سال ۱۳۶۷ تا کنون در مقام نماینده ولی فقیه عضو این شورا بوده است، با کسب ۵۱ درصد آرا برنده این انتخابات "مهندسی شده" بود. رأی مردم به روحانی در شرایط بحرانی کشور تبلور خواست‌ها برای دگرگونی در وضعیت کنونی و نیز یافتن راه برون‌رفت از بن‌بستی است که جامعه را چه به‌لحاظ سیاسی و چه به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی فراگرفته است. این وضعیت همچنین از ۸ سال پیاده کردن سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد و سیاست‌های کلانی ناشی شده که رژیم بر کشور تحمیل کرده است. فشارهای اقتصادی کمرشکن و به‌ویژه تحریم‌های تحمیل شده از سوی کشورهای غربی و پیامدهای ناگوار و فاجعه‌بارشان، در کنار سیاست‌های اقتصادی دیگری مثل حذف یارانه‌ها از حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی، همه و همه، چنان اوضاع و احوال دهشتناک و آشفته‌باری را در ایران به وجود آورده‌اند که مردم در پی یافتن راهی به‌منظور رهایی از این وضعیت وخیم، به هر روزنه‌امیدی روی می‌آوردند. ناگفته روشن است که میهن و ملت ما به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی بنیادی و عمده‌ای نیاز دارد. شکل‌های گوناگون "اسلام سیاسی"، چه محافظه‌کار - ارتجاعی و چه گونه‌های امروزی‌اش، نشان داده‌اند که به عملی کردن تغییرهای اجتماعی - اقتصادی بنیادی توان، ظرفیت، و یا تمایلی ندارند، و در اساس، با آزادی‌های اجتماعی و فردی و دموکراسی واقعی مخالفند. تاریخ معاصر خاورمیانه و دیگر نقطه‌های جهان دقیقاً همین واقعیت را نشان می‌دهد، و نمونه‌هایی از آن را در ایران، مصر و تونس می‌توان دید. حتی "اسلام سیاسی" شبه‌دموکراتیک ترکیه در حکومت حزب عدالت و توسعه اکنون خصلت حقیقی غیردموکراتیک خود را در کشوری نشان می‌دهد که ۱۰ سال پس از به‌اصطلاح "معجزه اقتصادی" نولیبرالی آن، یکی از عمیق‌ترین شکاف‌های موجود میان فقر و ثروت را در خود دارد و وضعیت عدالت اجتماعی در آن هر روز وخیم‌تر می‌شود. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که، "اسلام سیاسی" در ترکیه، مصر، و تونس، پیوندهای اقتصادی و سیاسی‌ای محکم با کشورهای امپریالیستی دارد، و برای مقابله با نیروهای ترقی‌خواه همواره از این پیوندها استفاده می‌کند.

همچنین، توجه به این نکته حائز اهمیت است که، به‌رغم‌های وهوی و شعارهای ضد‌امریکایی‌ای که رژیم دین‌سالار (ولایی) ایران سر می‌دهد، همه سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی عمده رژیم، از جمله تجاوزهای اخیر به حقوق کارگران، چیزی نیستند جز سیاست‌هایی ارتجاعی و دست‌راستی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول. همچنین تأکید چندباره بر این موضوع دارای اهمیت است که، سیاست‌های ماجراجویانه و لفاظی‌ها و جار و جنجال‌های رهبران رژیم فقط به سود راست‌گرا ترین نیروهای ارتجاعی منطقه ما و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا تمام شده است، و از آن‌ها برای توجیه نقشه‌های شیطانی خود در منطقه استفاده کرده و می‌کنند.

با توجه به واقعیت‌هایی که گفته شد، ما قاطعانه بر این باوریم که مبارزه مردم

ادامه شرکت هیئت نمایندگی کمیته مرکزی...

ایران یا استبداد و دیکتاتوری امری است که دنبال کردن و پیش بردن آن فقط به خود مردم ایران مربوط می‌شود. به همین دلیل، نیروهای هوادار صلح در ایران هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی کشور را به هر بهانه‌ای که باشد، به‌طور قطع محکوم می‌کنند. رفق!

به اعتقاد ما فقط از راه بسیج افکار عمومی جهان و فشار آن بر جاه‌طلبی‌های فاجعه‌انگیز امپریالیسم و متحدان آن است که می‌توان از ماجراجویی نظامی دیگری در این منطقه جلوگیری کرد. در این پیکار حساس و حیاتی، نیروهای ترقی‌خواه مسئولیت عمده ای به‌عهده دارند، و آن، بسیج گسترده‌ترین طیف نیروهای اجتماعی در مخالفت با جنگ، نظامی‌گری، مداخله‌جویی امپریالیسم، و سیاست‌های تجاوزکارانه آن است. تأثیرگذاری ما، و مؤثر بودن عمل ما، فقط به توان ما در آوردن مردم به خیابان‌ها برای دستیابی به صلح، نان، و کار است.

پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی

**پیش به سوی مبارزه در راه صلح و پیشرفت در خاورمیانه و در سراسر جهان
زنده باد همبستگی بین‌المللی
حزب توده ایران، ۲۹ خردادماه ۱۳۹۲**

بیانیه مشترک گروه‌هایی حزب‌های کمونیست و کارگری منطقه خاورمیانه

به ابتکار حزب کمونیست یونان، گروه‌هایی منطقه‌ای حزب‌های کمونیست و کارگری الجزایر، قبرس، یونان، ایران، اسرائیل، اردن، فلسطین، سوریه، و ترکیه، ۳۰ خردادماه (۲۰ ژوئن ۲۰۱۳)، در شهر آتن، برگزار شد. این گروه‌هایی، بی‌امون شرایط خطرناکی که در منطقه ما در حال شکل گرفتن است، به گفت‌وگو و تبادل نظر پرداخت. در گروه‌هایی، مسئله‌هایی که محور گفت‌وگوها قرار گرفتند عبارت بودند از:

شدت یافتن تهاجم، رقابت پُرتنش امپریالیسم برای در اختیار گرفتن منابع سوخت، راه‌های حمل و نقل، و داشتن سهم و سود در بازار؛

گسترش کنش‌های هموند و مشترک حزب‌های کمونیست و کارگری، طبقه کارگر، و توده‌های زحمتکش در رویارویی با دخالت‌ها و تهدیدهای امپریالیستی، به منظور پیشگیری از جنگ امپریالیستی‌ای دیگر؛

امپریالیست‌ها، هر کدام برای سودرسانی به خود، با به‌کارگیری شیوه‌های تهدید، مداخله‌جویی، و [به‌وجود آوردن] کشمکش میان خلق‌های منطقه، در پی برتری‌جویی و سلطه‌گری‌اند؛

ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ناتو، و اسرائیل، همراه با طبقه بورژوازی ترکیه و کشورهای پادشاهی خلیج فارس، در تکاپو هستند و با داشتن نقشی منفی، در رویدادهای منطقه عمل می‌کنند؛

این رویدادها، جنگ‌های تحمیلی امپریالیسم در عراق، افغانستان، و لیبی، هزاران کشته و مجروح، ویرانی‌های فراوان برجا گذاشته‌اند، و در آینده نیز می‌توانند مایه برانگیختگی بیشتر، خونریزی‌ها، به‌هم‌ریختگی شرایط زندگی توده‌های مردم، و موجب رنج و نابسامانی جبران‌ناپذیر آنان گردند. **سرکوب مبارزه‌های طبقه کارگر و اعتراض‌های توده‌ای در ترکیه، یونان، ایران، مصر، و دیگر کشورهای این منطقه، نمودهای دیگری از ترندهای به‌کار گرفته شده‌اند؛**

ما نمایندگان حزب‌های کمونیست و کارگری، مداخله‌جویی امپریالیست‌های ایالات متحده، اتحادیه اروپا، و همراهان آن‌ها در منطقه، و قربانی کردن سوریه و حق حاکمیت آن را به‌طور قاطع محکوم می‌کنیم؛

ما با هر گونه دخالت امپریالیستی در ایران و تحمیل تحریم‌های ناعادلانه به این کشور که فقط شرایط زندگی را برای مردم زحمتکش آن دشوارتر می‌کند، مخالفیم. ما از پیکار مردم ایران برای بهبود شرایط

زحمتکشان، حقوق مدنی و دموکراتیک، پشتیبانی می‌کنیم، و قانونی شدن فعالیت حزب توده ایران را خواستاریم؛

ما همبستگی خود با پیکار مردم اردن را اعلام می‌کنیم؛ رویکرد حزب‌های کمونیست و کارگری ما بر تحقق منافع طبقه کارگر و خلق‌های منطقه استوار است، و بر دستیابی به شیوه‌های گسترده سازمان‌دهی و هماهنگی مبارزاتی طبقه کارگر و حقوق توده‌ها، و مبارزه هموند برضد شرکت‌های انحصاری و نظام بهره‌کش سرمایه‌داری تأکید می‌کنیم؛

ما توده‌های کشورهای [منطقه] را فرا می‌خوانیم تا از حق مردم سوریه و ایران و همه توده‌های زحمت برای برگزیدن مسیر پیشرفت اجتماعی و سیاسی‌شان، مسیری که با منافع‌شان همخوان باشد، مسیری با عملکردی چندسویه‌چندان که بتواند از تحمیل جنگی امپریالیستی برضد مردم سوریه و ایران پیش‌گیری کند، به دفاع برخیزند؛

آنان باید غیرقانونی یا محدود بودن فعالیت حزب‌های کمونیست و کارگری و همچنین اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های مدنی و آزادی‌طلب را محکوم کنند؛

آنان باید آن دستاویزهایی را که امپریالیست‌ها برای مداخله‌جویی و جنگ به کار می‌گیرند نپذیرند، باید پیکار خود با طبقه بورژوازی در هر کشور و مبارزه برای از بین بردن انگیزه‌های برپایی جنگ‌های امپریالیستی و ساخت تسلیحات اتمی را، نیرومندتر سازند تا مردم بتوانند در آرامش و آسودگی به‌سر برند؛

آنان باید با پیکارشان از بهره‌برداری از زمین، آسمان، و آب‌های کشورشان از سوی امپریالیست‌ها به‌منظور تهاجم، جلوگیری کنند؛

منافع توده‌های مردم در رویارویی با موضع ضد مردمی دولت‌های بورژوازی در خدمت توانگران است که حفظ می‌شود؛ و این توده‌ها در سیاست‌های گزینشی دولت‌های گوناگون دست ندارند.

ما نمایندگان حزب‌های کمونیست و کارگری، همبستگی‌مان را با پیکار مردم فلسطین و همه شیوه‌های مبارزاتی‌شان اعلام می‌داریم و عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل از همه منطقه‌های اشغالی در فلسطین، سوریه، و لبنان را خواهانیم. همچنین توقف کامل شهرک‌سازی‌های غیرقانونی پس از می ۱۹۶۷، تخلیه این شهرک‌ها و ترک آن‌ها از سوی اسرائیلی‌های ساکن در آن‌ها، و تأسیس دولت فلسطینی با پایتختی اورشلیم شرقی و با مرزهای ۱۹۶۷، را خواهانیم.

ما مخالفت خود را با طرح به‌اصطلاح "معاوضه زمین‌ها" به هزینه مردم فلسطین، اعلام می‌کنیم.

ما رویکردی گره‌گشایانه نسبت به مسئله پناهجویان فلسطینی و بازگشت آنان، بر اساس قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، را خواستاریم.

ما پایان دادن به محاصره غزه از سوی اسرائیل، آزادی بی‌درنگ زندانیان سیاسی فلسطینی و زندانیان سیاسی از کشورهای دیگر در اسرائیل، را خواهانیم. ما با پیکار مردم یونان برضد یورش سرمایه، که هدفش انداختن آوار پیامد‌های بحران سرمایه‌داری بر دوش توده‌های مردم و زحمتکشان یونان است، همبستگی خود را اعلام می‌داریم.

ما با مردم قبرس، که در برابر بحران سرمایه‌داری و وعده‌های بی‌پشتوانه در معرض آزمونی دشوار قرار گرفته‌اند، همبستگی خود را اعلام می‌کنیم و از پیکار آنان در مسیر دستیابی به عدالت و راهکاری موفقیت‌آمیز برای حل مسئله قبرس که در انتها به پایان یافتن اشغال و یکپارچگی دوباره قبرس بینجامد، یعنی یکپارچگی در چارچوب فدراسیونی دویبخشی و همگانی با یک ملیت و یک موجودیت بین‌المللی، بدون حضور نیروهای خارجی و پاسداران حافظ صلح پشتیبانی می‌کنیم. ما با هرگونه طرحی که به همگنی قبرس در نهاد "همکاری برای صلح" ناتو، و در نهایت به عضویت در سازمان ناتو بیانجامد، مخالفیم.

ما با طبقه کارگر و توده‌های مردم ترکیه اعلام همبستگی می‌کنیم. آنان برای دستیابی به حقوق‌شان مبارزه می‌کنند و در شرایطی که پیکار طبقاتی شدت می‌یابد با خشونت و سرکوب دولت بورژوازی ترکیه رو در رو شده‌اند. ما حزب‌های کمونیست و کارگری از کوشش‌های حزب کمونیست ترکیه برای سازمان‌دهی مبارزه کارگران، برای دگرگونی کنش‌ها در همبستگی نیروها، و ارتقاء سطح پیکار طبقاتی به‌سوی چشم‌انداز سوسیالیسم، پشتیبانی می‌کنیم.

- ♦ حزب توده ایران؛ حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
- ♦ حزب زحمتکشان مترقی قبرس (اکل)؛ حزب کمونیست یونان
- ♦ حزب کمونیست اسرائیل؛ حزب کمونیست اردن؛ حزب کمونیست فلسطین؛ حزب مردم فلسطین
- ♦ حزب کمونیست سوریه
- ♦ حزب کمونیست ترکیه

تأملی دقیق تر بر نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲

علی خامنه‌ای، ولی فقیه رژیم، هفته گذشته، سخنانی را ایراد کرد که بخشی از آن به انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری مربوط می‌شد. او در این باره گفت: «دشمنان و مخالفان جمهوری اسلامی تلاش کردند یا انتخابات برگزار نشود و یا با سردی و بی‌اعتنایی ملت روبرو شود.» و در جایی دیگر، با اشاره به درخواستش از مخالفان «نظام» برای شرکت کردن در انتخابات، افزود: «این واقعیت نشان می‌دهد حتی کسانی که طرفدار نظام نیستند به نظام و انتخابات آن اعتماد دارند چرا که می‌دانند جمهوری مستحکم اسلامی، مثل شیر در مقابل طمع‌ورزان ایستاده و از کشور، منافع ملی و عزت ملی، بخوبی دفاع می‌کند.» علی خامنه‌ای در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: «معنای حضور مردم این بود که به سرنوشت کشور علاقه‌مندند، به نظام جمهوری اسلامی، که این انتخابات جزو ارکان و متون آن است، علاقه‌مندند، به دستگاه‌های برگزارکننده انتخابات - چه مجری، چه ناظر - اعتماد دارند و امیدوار به حرکت مستمر پیشرونده کشورند. ... به هر حال انتخابات حقیقتاً یک پدیده برجسته و مهم بود، ... این فضل الهی بود، لطف پروردگار بود که دل‌های ملت را هدایت کرد و نیروهای عظیم وارد صحنه شدند و این حماسه را به وجود آوردند. انتخابات حقیقتاً حماسه شد، مردم همان چیزی را که آرزوی خیرخواهان بود که یک حماسه سیاسی به وجود بیاید، تحقق دادند.»

لب مطلب خامنه‌ای در این سخنان چند نکته بود: نخست اینکه، حضور گسترده مردم تحقق یافت؛ دوم اینکه، مردم به «نظام» اعتماد دارند؛ و سوم اینکه، مخالفان هم، به «نظام» و انتخابات آن اعتماد دارند. از دید ما ولی فقیه رژیم درست به نکته‌های مهمی اشاره کرده است که بررسی‌شان می‌تواند ادعاهای او در رابطه با انتخابات مهندسی شده اخیر (دوره یازدهم ریاست جمهوری) را روشن سازد. همشهری آنلاین، ۲۶ خردادماه، جدول نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در تهران را انتشار داد، که نشان می‌دهد جمعاً کمی بیش از ۲ میلیون و ۸۶۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند. اما روزنامه شرق، ۱ تیرماه، آمار تفکیکی نتیجه انتخابات ریاست جمهوری را انتشار داد، که در آن نکته‌های جالب فراوانی می‌توان یافت. شرق در این باره می‌نویسد: «عصر چهارشنبه نتایج انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان‌ها روی سایت وزارت کشور قرار گرفت، جدولی عریض و طویل با اعداد و ارقام ریز از بخش استان‌ها و شهرستان‌ها به تفکیک هر نامزدی که در دریافت کرد مفهومی از ترکیب آراء و اقبال مردم به هر نامزدی کمی نمی‌کرد. ... در این شرایط برای دستیابی به یک شمای کلی از میزان آراء مجبور به جمع کردن تک تک آمار شدیم. ... کاری که وزارت کشور، ستاد انتخابات کشور و استانداری‌ها از انجام آن دریغ کرده بودند.» بنابراین با استناد به همین مطلب روزنامه شرق، باید به این نتیجه رسید که حتی در آرایه آمار هم در عمل مهندسی شده است. روزنامه شرق، به‌همراه این توضیح، نموداری را انتشار داده است که در آن میزان رای‌های ریخته شده برای هر کدام از کاندیداها نیز مشخص شده است. جمع کل رای‌های ریخته شده در استان تهران کمی بیش از ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر اعلام شده است. در مقایسه با آمار اعلام شده همشهری آنلاین، باید به این نتیجه رسید که آن آمار مربوط به «شهر تهران» و آمار روزنامه شرق مربوط به «استان تهران» است. بنابر آمار رسمی‌ای که اعلام گردید، عده شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ [در «استان تهران»]، ۸ میلیون و ۷۹۶ هزار نفر بود. بنابراین، طبق آمار انتشار یافته، و برخلاف ادعاهای علی خامنه‌ای، فقط در «استان تهران» - که از نظر سیاسی مهم‌ترین و حساس‌ترین منطقه محسوب می‌شود - لااقل ۵۰ درصد از مردم در انتخابات شرکت نکرده‌اند. برای اینکه جنبه‌های مهم این مسئله بیشتر مشخص شود، نگاهی به آمارهای گذشته لازم به نظر می‌رسد. در نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸، بیش از ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر در تهران رای دادند. عده واجدین شرایطی که در آن سال [۵۸] رای دادند نزدیک به ۲۱ میلیون نفر و در سال ۹۲ بیش از ۵۰ میلیون نفر اعلام شده است. تفاوت آمار شرکت کنندگان

در انتخابات اخیر در «استان تهران» [یعنی ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر]، در مقایسه با سال ۵۸ [یعنی ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر] چیزی در حدود ۵۰۰ هزار نفر است. جمعیت آن زمان ایران ۳۵ میلیون نفر و اکنون بیش از ۷۵ میلیون نفر است. با مروری بر آمار رسمی اعلام شده در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری، و با نظر داشت رشد جمعیت، و نیز با حسابی سرانگشتی، به راحتی به این نکته می‌توان پی برد که میزان آراء شرکت کنندگان در استان تهران، پایین‌ترین میزان در طول موجودیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است. آمارهای موجود به روشنی این واقعیت را اثبات می‌کند. سؤال اساسی از ولی فقیه رژیم این است که، اگر او مدعی است که دلیل شرکت مردم نشانه اعتمادشان به «نظام» است، شرکت نکردن بیش از ۵۰ درصد مردم فقط در استان تهران را چگونه باید توجیه کرد؟

آمار شرکت کنندگان در استان کردستان، بنابر نمودار روزنامه شرق، بیش از ۶۲۱ هزار نفر، و استان سیستان و بلوچستان بیش از ۱ میلیون نفر، برآورد شده است. در سال ۸۸، ۹۴۰ هزار نفر در استان کردستان، و بیش از ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در استان سیستان و بلوچستان در انتخابات شرکت کردند. در دو استان نام برده، بیشترین آرای ریخته شده متعلق به حسن روحانی است، و دیگر کاندیداها سهم کمی از رای‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. آراء روحانی در سیستان و بلوچستان ۷۷۰ هزار و در کردستان ۴۳۸ هزار بوده است. وضعیت حساس این دو استان مرزی مهین ما، و سیاست‌های به شدت ضد مردمی رژیم ولایت فقیه در طول سال‌های گذشته، فشارهای مضاعف [به دلیل سنی بودنشان] را به ساکنان این دو استان وارد آورده است، و همین امر نارضایتی‌های گسترده را در میان مردم محروم و زحمتکش این دو استان به وجود آورده است. رأی بالای مردم به حسن روحانی [نسبت به نامزدهای دیگر]، برخلاف گزاره گوی‌های ولی فقیه، چیزی جز ابراز خشم و نارضایتی نسبت به سیاست‌های تانکونی برضد مردمان این منطقه‌ها نمی‌تواند باشد.

از نکته‌های جالب دیگر در نمودار روزنامه شرق، آمار رای‌های مردم در استان‌های خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد و چهار محال و بختیاری است. محسن رضایی در این سه استان بیشترین رای‌ها را به دست آورده است. آرای محسن رضایی در این سه استان حتی از حسن روحانی هم بیشتر است. تمایل رای‌ها در این سه استان به رضایی، به دلیل مشترکات زبانی و قومی‌ای است که رضایی نیز بدان متعلق است، و این در جلب رای دهندگان عامل مهمی بوده است. یادآوری این نکته لازم است که سه استان نام‌برده با مشکل‌های اقتصادی، معیشتی، و سیاسی حادی درگیر است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، شرکت مردم در این استان‌ها به نفع یک کاندیدا، امید به یافتن راه برون رفتی از معضله‌هایی است که مردم در این منطقه‌ها با آن‌ها دست به‌گریبانند.

در استان یزد هم اکثر شرکت کنندگان به نفع حسن روحانی رای داده‌اند. بدون شک این رای‌ها از حمایت محمد خاتمی از روحانی ناشی بوده است. پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، و به دنبال زمزمه‌هایی مبنی بر نامزد شدن محمد خاتمی برای انتخابات ریاست جمهوری، هجوم تبلیغاتی پلشتی در این ارتباط - به‌خصوص از سوی روزنامه کیهان و حسین شریعتمداری چماق‌دار مطبوعاتی ولی فقیه - به راه اندخته شد که به بازگویی آن نیاز نیست. از این منظر، رأی مردم در استان یزد به روحانی، به‌سبب نفوذ خاتمی در آنجا و نفرت مردم از ولی فقیه و هوادارانش باید تلقی گردد. در باره نمودار انتخاباتی روزنامه شرق نکته‌های دیگری هست که با تفصیل بیشتری می‌توان تشریح کرد، اما روشن کردن زاویه‌های گوناگون ادعاهای ولی فقیه را در همین حد بسنده می‌دانیم. علی خامنه‌ای مدعی است که، نتیجه انتخابات نشان داده است که حتی مخالفان هم به نظام و انتخابات آن اعتماد دارند. ما فرض را بر این می‌گذاریم که صحبت‌های او در این باره صحیح باشند، نخستین سؤال برآمده از این فرض آن است که، از دید او، مخالفان چه کسانی‌اند؟ به‌طورمثال آیا رفسنجانی، خاتمی، و اصلاح طلبان جزو مخالفان یا جزو «نظام»‌اند؟ آیا افشین اسانلو - که هفته گذشته در زندان جان باخت - از مخالفان است؟ آیا زندانیان سیاسی و عقیدتی، روزنامه نگاران، وبلاگ نویس، فعالان حقوق زنان، و کنشگران مدنی، که به دلیل‌های واهی براندازی و مخالفت با «نظام» به زندان‌های درازمدت، تبعیدهای ناخواسته، و شکنجه‌های روحی و روانی محکوم شده‌اند از مخالفان‌اند؟ در صورتی که جواب به این سؤال‌ها مثبت باشد، این سؤال پیش می‌آید که، دلیل نگهداشتن آنان در زندان، کشتن‌شان با حیل‌های مختلف، و اذیت و آزار خانواده‌های آنان بر کدامین بستر در جریان است؟ اخیراً سید مدنی، جامعه‌شناس، فعال اجتماعی، و استاد دانشگاه، به ۶ سال حبس ۱۰ سال تبعید به بندرعباس محکوم شده است. خامنه‌ای اگر ادعا می‌کند مخالفان به «نظام» اعتماد پیدا کرده‌اند، پس هراسش از کاستن فشارها و مخالفت با آزاد کردن همه آنان از زندان با چه توجیهی ادامه دارد؟ هفته گذشته

ادامه وظیفه و آماج های بی درنگ ...



دیگر زحمتکشان از وضعیت موجود و اعمال و اجرای سیاست‌های اقتصادی ضدمردمی است. نکته پراهمیت در واکاوی این موضع‌گیری‌ها و به طور کلی جنبش اعتراضی کارگران کشور، تاکید بر حقوق سندیکایی و حق برپایی سندیکاها و تشکل‌های مستقل است. بدون وجود سازمان‌های سندیکایی، صدای اعتراض زحمتکشان رسا نخواهد بود، و توان به برآورده ساختن خواسته‌ها و منافع‌شان را نخواهند داشت. گرچه حسن روحانی در جریان کارزار انتخاباتی با صراحت اعلام کرده بود: "دستمزد کارگران باید طبق قانون کار به اندازه‌ای که تورم وجود دارد، افزایش پیدا کند" [ایلنا، ۱۹ خردادماه]، اما بدون مبارزه سازمان‌یافته کارگران نمی‌توان صرفاً به این "قول" و وعده تبلیغاتی انتخاباتی دل خوش کرد و چشم از واقعیت‌های مسلم برگرفت. آنچه تاکنون از گفته‌ها و موضع‌گیری‌های نزدیکان و مشاوران روحانی انتشار یافته است، این واقعیت را بیان می‌دارد که، سیاست اقتصادی دولت جدید در خط کلی‌اش، ادامه اصلی‌ترین شکل و شیوه برنامه تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی است، که در اوضاع واحوال جدید- با در نظر گرفتن تحریم‌ها و اثرهای ناشی از آن- تدوین و اجرا خواهد شد. بنابراین، آنچه برای کارگران و زحمتکشان میهن ما در اولویت قرار می‌گیرد، پافشاری و تاکید ورزیدن بر احیای حقوق سندیکایی و حق ایجاد و احیای سندیکاها و تشکل‌های کارگری است، یعنی حقوقی که در چارچوب آن‌ها، زحمتکشان بتوانند از منافع‌شان دفاع کنند، و در عین حال، بتوانند به‌طور فعال و سازمان‌یافته در عرصه‌های مختلف حضور پیدا کنند، و بر اساس پیوند میان منافع خود و منافع عام جنبش دمکراتیک و آزادی‌خواهانه، از هرباره به تقویت بدنه اجتماعی و بازسازی آن یاری رسانند. منافع کارگران و زحمتکشان میهن ما جدای از منافع عام جنبش نیست و نمی‌تواند باشد. از دیگر نکته‌های پراهمیت که ضروری است فعالان و مبارزان جنبش سندیکایی همراه با دقت و بی‌زهای به آن توجه کنند، عبارت است از: استقلال عمل سندیکاها و تشکل‌های مستقل، و حفظ ماهیت و جهت‌گیری طبقاتی آن! واپس‌گرایان، و به‌طور کلی رژیم ولایت فقیه، با در نظر گرفتن میزان، بُعدها، و ژرفای نارضایتی زحمتکشان، کوشیده‌اند، و خواهند کوشید، تا با مانورهای فریب‌کارانه جنبش اعتراضی کارگران را منحرف سازند یا بر آن مهار بزنند.

اکنون در آستانه تشکیل دولت جدید به‌ریاست حسن روحانی قرار داریم. جنبش کارگری- سندیکایی می‌باید با تقویت صف‌های خود، ضمن استفاده مدبرانه و هوشیارانه از روزنه‌ها، شکاف‌ها، و امکان‌های موجود، اعتراض‌های پراکنده کنونی را سازمان دهند و در قامت نیروی اجتماعی‌ای تأثیرگذار و متکی به خود، در رویارویی‌های صحنه سیاسی و اجتماعی کشور حضور یابد و از حقوق و منافع طیف گسترده زحمتکشان دفاع کند. مسیر مبارزه سازمان‌یافته و متشکل، شرط تأمین، تضمین، و حفظ حقوق و منافع طبقه کارگر در این مرحله حساس و سرنوشت‌ساز است. به کارگیری حد اعلا احساس مسئولیت و مبارزه به‌منظور دستیابی به خواسته‌های فوری زحمتکشان در چارچوب ارزیابی‌ای صحیح و واقع‌بینانه از صحنه سیاسی و تعادل قوا، وظیفه و آماج جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما در مرحله کنونی است!

و واقع‌بینانه منطبق بر مرحله کنونی است.

جنبش کارگری میهن ما به‌مثابه جنبشی فراگیر و تأثیرگذار، در این میان نقش و مسئولیت خطیری را برعهده دارد. در واقع باتوجه به تحول‌های صحنه سیاسی، معادله‌های قدرت و روابط بغرنج و سیال کنونی در رژیم ولایت فقیه، می‌توان با سلسله اقدام‌هایی هوشیارانه و دقیق به‌سمت سازمان‌دهی جنبش اعتراضی پراکنده کارگران و زحمتکشان حرکت کرد، و با طرح خواسته‌های فوری و بی‌درنگ طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان از سویی به تقویت صف‌های جنبش کارگری و سندیکایی یاری‌رساند.

از هم‌اکنون زحمتکشان میهن ما برخی از مهم‌ترین و فوری‌ترین خواسته‌های‌شان را به‌شکل‌های مختلف بیان می‌دارند و پاسخی روشن را پیرامون آن‌ها از دولت جدید خواستارند. الغای قراردادهای موقت و سپیدامضاء، احیای حقوق سندیکایی، حق برپایی سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری، آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی، و افزایش دستمزد متناسب بانرخ واقعی تورم، از زمره خواسته‌های بی‌درنگ طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان‌اند. به علاوه، زحمتکشان با اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی زیر عنوان هدفمندی یارانه‌ها، در طول سالیان اخیر، امنیت شغلی و قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و به‌شدت با این برنامه ضدمردمی مخالفند. از این روی، مخالفت با اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تامین اجتماعی مستتر در بطن برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها، از محورهای مبارزاتی جنبش اعتراضی کارگران بوده است. بنابراین، مشارکت مستقیم جنبش سندیکایی موجود و سندیکاها مستقل کارگری در تهیه و تدوین مسایلی همچون تغییر و اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی، و جلوگیری از اصلاح قانون کار به‌سود کلان سرمایه‌داران، از مبرم‌ترین خواسته‌های زحمتکشان قلمداد می‌گردد. بی‌جهت نبود که بلافاصله پس از اعلام نتیجه انتخابات و رأی حسن روحانی، واکنش‌های زحمتکشان و فعالان سندیکایی نسبت به وعده‌های دوران انتخابات آغاز شد. ایلنا، ۲۶ خردادماه، در گزارشی نوشت: "یک فعال مستقل کارگری با یادآوری اینکه اظهارات مستقیم آقای روحانی در خصوص پایین بودن مزد کارگران در انتخاب شدن او به‌عنوان رئیس جمهور موثر بوده است گفت، کارگران از دولت آینده انتظار دارند که به‌صورت جدی به مطالبات قانونی آنها پاسخ داده شود... از یک‌سو کارفرمایان دولتی و خصوصی به‌عنوان مختلف به نفع خود از اجرای مواد کلیدی قوانین کار و تامین اجتماعی خودداری می‌کنند و از سوی دیگر نهادهای مجری و نظارتی درصدد هستند تا با اصلاح قوانین حمایتی از تعهدات و وظایف قانونی خود بکاهند... هیچ دولتی نمی‌تواند بدون به‌رسمیت شناختن حق آزادی تشکل‌های صنفی برای کارگران درخصوص معضل تورم، بیکاری و پایین بودن مزد تصمیم‌گیری کند." علاوه بر این، ایلنا، ۲۲ خردادماه، در گزارش دیگری از قول رئیس اتحادیه کارگران قراردادی، یادآوری کرده بود: "وعده‌های بسیاری به کارگران داده شده، از جمله سهام عدالت و کارت اعتباری ولی هیچ‌کدام محقق نشد بنابراین نامزدهای ریاست جمهوری بدانند که تمام وعده و وعیدهای آنان ثبت و ضبط خواهد شد و اگر شعار بدهند و جامعه عمل نپوشانند درقبال مردم و کشور مسئول و پاسخگو خواهند بود. همچنین رسانه‌های همگانی خبر دادند اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور از دولت حسن روحانی خواسته است که به موضوع قراردادهای موقت و رواج آنها که سبب نابودی امنیت شغلی میلیون‌ها کارگر شده، رسیدگی کرده و خواسته کارگران را در نظر بگیرد." ایلنا همچنین در ۲۷ خردادماه، در این باره چنین گزارش داد: "ایجاد اشتغال پایدار، رونق تولید، بهره‌وری در صنایع و کشاورزی و جلوگیری از اخراج و تعدیل نیروی کار از مهمترین خواسته‌های کارگری است که رئیس دولت یازدهم باید به آنها توجه جدی داشته باشد."

تمامی این موضع‌گیری‌ها نشانگر نارضایتی ژرف طبقه کارگر و

کاهش تولید در بخش کشاورزی: دهقانان فقیرتر می‌شوند!

نارضایتی گسترده دهقانان سراسر کشور از سیاست واردات محصولات کشاورزی از خارج، در ماه‌های اخیر به شکل‌های گوناگون بروز یافته است. همزمان با پایان انتخابات و متبلور شدن خواست مردم به تغییر و "نه" به سیاست‌های ولی فقیه و دولت احمدی‌نژاد، خبرگزاری ایسنا، ۲۱ خردادماه، در گزارشی با اشاره به نارضایتی ژرف روستاییان، خاطرنشان ساخت: "در شرایطی که استان‌های گندم‌خیز مشغول برداشت دسترنج یکساله خود هستند، ۶۰۰ هزار تن گندم از منطقه دریای بالیک و آلمان خریداری شده است... در زمان برداشت محصول داخلی، واردات قانونی نیست و وزارت جهاد کشاورزی هیچ مجوزی برای واردات ن داده است." همچنین خبرگزاری فارس، ۲۰ خردادماه، اعتراف کرد: "معاون قرنطینه سازمان حفظ نباتات گفت، آلمان در فهرست کشورهای مجاز برای واردات گندم قرار دارد... هر محموله از جمله گندم که وارد کشور می‌شود، قبلاً مجوز ورود با شرایط قرنطینه اخذ می‌شود و در مورد گندم این کار انجام شده است و بنابراین هر کشوری از جمله آلمان که در لیست کشورهای مجاز باشد، بازرگانان می‌توانند محصول گندم را وارد کنند." واردات سیل آسا و بنیان کن محصولات کشاورزی خارجی در حالی به کشور سرازیر است که رژیم ولایت فقیه با زور و تهدید و تملک دلال‌ها و سلف‌خرها، گندم تولید داخلی را با نرخ پایین و ناعادلانه از دست دهقانان ایرانی می‌ربایند. در این زمینه خبرگزاری کشاورزی ایران - ایانا - ۲۱ خردادماه، یادآوری کرده بود: "خرید بیش از ۴۵۰ هزار تن گندم و جو در فارس... معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی استان فارس گفت، کشاورزان باتوجه به هزینه بالای تولید و قیمت جهانی این محصول، از قیمت خرید تضمینی آن رضایت ندارند." این عدم رضایت به شکل‌های گوناگون خودنمایی می‌کند. برای نمونه، چندی پیش یکی از اعضای کمیسیون عمران مجلس با صراحت اعلام داشت که، کاهش ۲۰ درصدی اراضی زیرکشت و افت ۱۵ درصدی محصول و افزایش ۳۰ درصدی قیمت تمام‌شده محصولات کشاورزی، فضای دلسردی کشاورزان و عدم علاقه آنان به کار در چنین وضعیتی را نشان می‌دهد.

موضوع واردات سیل آسا به کشور و خانه‌خرابی و تیره‌روزی دهقانان با اجرای برنامه‌هایی مانند آزادسازی اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. درحقیقت افت و تنزل تولید در بخش کشاورزی و گسترش فقر در روستاهای ایران نتیجه اعمال سیاست‌های اقتصادی بیش از دو دهه اخیر است. یکی از این برنامه‌های فاجعه‌آفرین، آزادسازی اقتصادی زیر نام قانون هدفمندی یارانه‌هاست. از زمان اجرای برنامه هدفمندی - یا به بیان دقیق‌تر حذف یارانه‌ها - مطابق نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، وضعیت کشاورزی به‌وخامت بیشتری گراییده است. حذف یارانه در بخش کشاورزی ایران درحالی صورت می‌گیرد که در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری یارانه‌های کلان و گسترده در اختیار کشاورزی قرار می‌گیرد. ایسنا، ۲۳ خردادماه، در گزارشی پژوهشی در این باره، با صراحت تأکید کرد: "با حذف یارانه‌ها قیمت نهاده‌های کشاورزی بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داشته... در کشورهای پیشرفته همچون آمریکا و ژاپن (همچنین اتحادیه اروپا و استرالیا) کشاورزان بعضاً تا ۶۰ درصد از یارانه‌ها استفاده می‌کنند اما در ایران خبری از این حمایت‌ها نیست و یارانه حذف می‌شود." در ارتباط با تأثیر ویرانگر اجرای آزادسازی اقتصادی و حذف یارانه‌ها در بخش کشاورزی، گزارش روزنامه شرق، ۱۲ خردادماه، یعنی پیش از برگزاری انتخابات و پیروزی حسن روحانی، نوشته بود: "طرح هدفمند کردن یارانه‌ها راه نفوذ مناسب‌ات اقتصاد جهانی (سرمایه جهانی شده) را به مناطق دوردست ایران هموارتر می‌کند؛ راهی که قبلاً گشوده و تردد در آن جاری است. بنابراین تولیدکنندگان کشاورزی را بیش از پیش در برابر هجوم رقابت ناخواسته و نابرابر قرار می‌دهد. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از طرح‌های مناقشه برانگیز در تاریخ اقتصاد ایران است... آثار بلندمدت طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در جامعه روستایی و اقتصاد دهقانی بسیار

حایز اهمیت است... این طرح در بلندمدت به دلایلی موجب انزوای بیشتر اقتصاد دهقانی، تجزیه طبقاتی دهقانان، کاهش تولید و برگشت جامعه به اشکال ماقبل سرمایه‌داری (شبه فئودالی) و گسترش سرمایه‌داری غیرتولیدی (عمدتاً شبه رفاهی، غارتگر و تخریب) در مناطق روستایی خواهد بود... طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به دلیل گرانی عوامل و نهاده‌های تولید (کود، سم، بذر و همچنین قیمت کالاها و خدمات عمومی) موجب افزایش قیمت تمام‌شده محصول خواهد شد... با حذف یارانه‌ها، به دلیل نقدینگی محدود بخش کشاورزی و عدم تامین حداقل نقدینگی از طرف سیستم بانکی، تولید ضربه خواهد خورد... نتیجه آنکه به دلیل افزایش قیمت تمام‌شده تولیدات کشاورزی، از دست رفتن مزیت نسبی تولیدات کشاورزی... موجب ضعف دوچندان بنیان‌های تولیدی جامعه و رقابت‌پذیری آنان خواهد بود." با مراجعه به بسیاری خبرها و گزارش‌های منتشر شده، می‌توان بهتر و دقیق‌تر نتیجه و تأثیر مخرب اجرای دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در مجموعه اقتصاد ملی و خصوصاً بخش کشاورزی مشاهده کرد. خبرگزاری فارس، ۲۱ خردادماه، در گزارشی اعتراف کرد: "یکی از بزرگترین مشکل کشاورزان ارایه وثیقه به بانک‌ها برای دریافت تسهیلات مالی است... سیستم حمایتی مناسبی برای کشاورزان وجود ندارد." همچنین ایسنا در گزارش پیرامون وضعیت دهقانان در هنگام درو محصولات، نوشت: "بازار یا همان فضای کسب و کاری که قرار است همه تولیدکنندگان سهم یکسانی از آن داشته باشند، برای کشاورزان چندان آشنا نیست چرا که دلالان و سودجویان به اسم تولیدکننده بازار را به کام خود می‌گردانند... رقابت نابرابر و ناسالم باعث شده تا کشاورزان محصولات خود را [نه] در بازار بلکه سر زمین و باغ بفروشند و به سود ناچیزی که به گفته خودشان کفاف دخل و خرج آن‌ها را نمی‌دهد قناعت کنند. در این میان نه تنها سود تولید بلکه حق مصرف‌کننده به جیب سودجویانی می‌رود که هیچ نقشی در تولید ندارند و بازار مصرف را هم برهم می‌زنند." در گزارش دیگری از فقر و تیره‌روزی زحمتکش روستا و نابودی بنیه تولیدی بخش کشاورزی، خبرگزاری ایانا، ۳ خردادماه، خاطرنشان ساخته بود: "با گسترش دامنه مشکلات مالی و بیکاری، کشاورزان هر سال مختصر بنیه مالی‌شان را از دست می‌دهند... تعداد زیادی مهاجرت کرده و به مشاغل کاذب و حاشیه‌نشین رو آورده و دچار مشکلات اجتماعی ناشی از فقر شده‌اند." نقش دلال‌ها و سلف‌خرها، که از حمایت آشکار و پنهان حکومت برخوردارند، در تیره‌روزی دهقانان چشمگیر است. ایسنا، ۲۲ خردادماه، نوشت: "شالیکاران نمی‌توانند نان خود را از شالیزار تامین کنند اما یک دلال با موبایلش سودهای میلیونی جابه‌جا می‌کند... کشت گندم با این قیمت‌ها به صرفه نیست... ارزش مرجع (ارز دولتی) به گندم‌های خارجی می‌دهند اما ۲۰۰ تومان به گندم ایرانی نمی‌دهند... چگونه با ۲ میلیون تومان می‌توان یکسال زندگی کرد؟ این بخشی از درد دل‌های گندم‌کاران و شالیکارانی است که از حاصل کار و تلاش یکساله‌شان ناراضی هستند و معتقدند کاشت برنج و گندم برایشان صرفه اقتصادی ندارد... شالیزارهایی که تا پیش از این تامین‌کننده اصلی برنج کشور بود با پیشنهادهای دلال‌ها (و اندک پولی به روستاییان) تخریب و به ویلاهای رنگارنگ تبدیل شده است."

روزنامه بهار، ۲۱ خردادماه، با ارایه آمارهایی رسمی، گزارش تلخ و تکان‌دهنده‌ای از وضعیت بخش کشاورزی را انتشار داد. در این گزارش چنین آمده است: "در سال تولید ملی بیش از ۶/۲ میلیارد دلار برای واردات گندم و ۱۶ میلیارد دلار برای واردات محصولات کشاورزی صرف شد و برای اولین بار گندم رتبه اول واردات کشور را به خود اختصاص داد... به دنبال واردات بی رویه شکر، تولید قند و شکر در کشور متوقف شد. صنعت صد ساله قندوشکر در باتلاق متعفن واردات و سودهای ناشی از آن غرق و نابود شد. در سال گذشته پایین‌ترین رکود سطح زیرکشت و بالاترین واردات پنبه در ۶۰ سال گذشته در کشور صورت گرفت... بیکاران بخش کشاورزی پنبه پاکتی و روغن کنسی حداقل ۴۰ هزارخانوار بوده است." به علاوه، بنابر آمار خبرگزاری کشاورزی ایران [ایانا]، تصریح می‌گردد: "تولید صنایع لبنی - فراورده‌های شیری - ۳۰ درصد کاهش یافته است." در همان حال، خبرگزاری مهر، ۱۹ خردادماه، نوشت: "۷۵ میلیون هکتار اراضی کشور در حال بیابانی شدن است." نتیجه کاهش تولید و تضعیف تولیدات کشاورزی عبارت است از: فقر و مهاجرت به حاشیه شهرها! ایسنا، ۲۶ خردادماه، گزارش داد: "نبود درآمد و به‌صرفه نبودن کشاورزی باعث شده کشاورزان به حاشیه شهرها مهاجرت کنند."

این وضعیت ناگوار و دهشتناک نتیجه مستقیم اجرای سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی‌ای مانند حذف یارانه‌ها و آزادسازی اقتصادی است. برای مقابله با این برنامه‌ها، یگانه راه ممکن و موجود یاری رساندن به بازسازی جنبش دهقانی، و مخالفت سازمان‌یافته با برنامه‌های اقتصادی رژیم ولایت فقیه در چارچوب جبهه ضد استبدادی‌ای وسیع و فراگیر است! سرنوشت و آینده دهقانان زحمتکش میهن ما در گرو این مبارزه است!



رادیکال به نفع زحمتکشان کشور را مورد توجه قرار داد و آن‌ها را پایه محبوبیت وسیع او ارزیابی کرد. رفیق "یول جابور" در ادامه، به سیاست‌های ارتجاعی اپوزیسیون دست‌راستی و طرّف‌دار امپریالیسم در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری

فروردین ماه ونزوئلا پرداخت، انتخاباتی که در آن رفیق نیکلاس مودرو، رهبر سندیکایی و از نزدیک‌ترین حامیان و دستیاران چاوز، پیروز آن گردید. بررغم اینکه تمامی ناظران بین‌المللی روند برگزاری انتخابات را سالم و شفاف و فارغ از دستکاری اعلام کرده‌اند، و همه کشورهای آمریکای لاتین دولت جدید را به رسمیت شناخته‌اند، نیروهای راستگرا و حامیان آمریکایی آن‌ها، از قبول نتیجه انتخابات خودداری کرده‌اند و به دامن زدن به بحرانی سیاسی- بین‌المللی سعی دارند تا به این وسیله دخالت خارجی را در کشور توجیه کنند. نماینده "کودیر"، پس از تشکر از رهبری "شورای جهانی صلح" در فراهم کردن امکان شرکت در این بحث ویژه و توجه به شرایط بسیار حساس خاورمیانه، در سخنان خود به بررسی شرایط منطقه و وضعیت حاد مبارزه مردم برای صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی در ایران پرداخت. محورهای اساسی سخنان نماینده "کودیر" عبارت بودند از: تشریح شرایط تهدیدآمیز منطقه، سیاست‌های محوری امپریالیسم برای هژمونی سیاسی- اقتصادی در خاورمیانه و تثبیت کنترل بلا منازع خود بر منابع اولیه سرشار و بی رقیب منطقه، سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی به شدت ارتجاعی و مردم‌ستیز رژیم تئوکراتیک حاکم، و ضرورت گسترش کارزار برای دموکراسی و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در ایران در حکم عامل فراهم آورنده شرایط تحول‌های اساسی اقتصادی- اجتماعی. او تهدیدهای ایالات متحده و متحدان اتحادیه اروپایی و اسرائیلی‌اش به دست زدن به هر گونه اقدام نظامی‌ای برضد ایران را محکوم کرد، و گفت که، حمله نظامی به ایران، چه محدود و چه گسترده، تمامی منطقه وسیع خاورمیانه و غرب آسیا را به بی‌ثباتی خواهد کشید. نماینده "کودیر" همچنین به شرایط اسفبار اقتصادی و فشارهای توان فرسا بر کارگران و زحمتکشان اشاره کرد، و بُعدهای فاجعه‌بار بیکاری، تورم، و فقر در کشور را ترسیم کرد.

نماینده "کودیر" همچنین از مبارزه کارگران کشور برای حقوق صنفی و سندیکایی خود که از سوی رژیم فقه‌موردی تهاجم وحشیانه قرار می‌گیرند سخن گفت، و همبستگی با زحمتکشان ایران و نیروهای مترقی ایران را خواستار شد. او با برشماری پیامدهای تحریم‌های تحمیلی ویرانگر اقتصادی از سوی امپریالیسم برای زحمتکشان کشور، شورای جهانی صلح و همه نیروهای مترقی جهان را فراخواند تا مبارزه برای لغای این تحریم‌ها را در دستور کار قرار دهند. او تحریم‌ها را جنگی اعلام نشده برضد زحمتکشان دانست، و سیاست‌های متناقض و غیرعقلایی رژیم حاکم در رابطه با آن‌ها را زیر علامت سؤال قرار داد. در خاتمه دو روز بحث پیرامون جنبه‌های مختلف برنامه کار و فعالیت شورای جهانی صلح و پس از تصویب برنامه کار سال آتی آن، تنظیم قرارهای لازم، و بررسی سندها و از جمله بیانیه‌های همایش، اجلاس به کار خود پایان داد. در بخشی از بیانیه‌های همایش دبیرخانه شورای جهانی صلح، جمع‌بندی این ارگان مبارزان صلح در سراسر گیتی در رابطه با مسایل خاورمیانه، آمده است: "شورای جهانی صلح مجدداً بر موضع‌گیری‌های اصولی خود در مخالفت با هر نوع دخالت خارجی در سوریه و بر اینکه مردم سوریه تنها مرجع مسئول و محق برای تصمیم‌گیری در رابطه با آینده‌شان‌اند، تأکید می‌ورزد."

نشست هیئت اجرایی "شورای جهانی صلح"

نمایندگان جنبش‌های مبارزه برای صلح از سراسر جهان، گسترش مبارزه و مخالفت فعال با ادامه دخالت‌های امپریالیسم در سوریه را تنها راه جلوگیری از شعله‌ور شدن جنگی تمام‌عیار در خاورمیانه دانستند. سخنران‌های همایش صلح‌خواهان جهان، در اینکه ادامه درگیری‌ها و جنگ داخلی در سوریه می‌تواند در حکم تخته پرشی برای تهاجم نظامی برضد ایران از سوی امپریالیسم مورد استفاده قرار گیرد، هم‌سخن بودند.

همایش هیئت اجرایی "شورای جهانی صلح" با میزبانی "شورای صلح و همکاری پرتغال"، ۱۰ تا ۱۲ خرداد ماه، در لیسبون، پایتخت زیبا و تاریخی پرتغال، برگزار شد. با توجه به ژرفش بحران خاورمیانه بر اثر درگیری‌های نظامی در سوریه و تصمیم اخیر اتحادیه اروپا برای سرازیر کردن علی‌سلاح‌های سنگین مدرن به نیروهای اپوزیسیون ارتجاعی اسلامی، و ضرورت بحث و تصمیم‌گیری برای برنامه ریزی کارزاری موثر، دبیرکل شورای جهانی صلح از نمایندگان چندین جنبش ضد جنگ در کشورهای منطقه برای شرکت در این همایش دعوت کرده بود. معاون دبیرکل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ("کودیر")، به نمایندگی از طرف مبارزان صلح در ایران و در مقام مهمان در این همایش با اهمیت شرکت داشت.

اجلاس با سخنرانی خانم "ایلدا فیگوئیدو"، صدر ملی "شورای صلح و همکاری پرتغال"، که تا دو سال پیش عضو پارلمان اروپا بود، آغاز شد. رفیق پرتغالی ضمن خوش آمد به شرکت کنندگان در همایش، با اشاره به شرایط بسیار خطرناکی که به دلیل سیاست‌های تجاوزگرانه و تهاجمی امپریالیسم در خاورمیانه و آمریکای لاتین شکل گرفته است، اهمیت تبادل نظر را در این اجلاس یاد آور شد. سخنران بعدی رفیق "تناسیس پافلیس"، عضو پارلمان یونان و دبیرکل نهاد بین‌المللی صلح بود، که ضمن ارائه گزارشی از عملکرد "شورای جهانی صلح" از برگزاری کنگره آن در کاتماندو، پایتخت نپال، در تیرماه گذشته، تا به امروز، به برخی عرصه‌های فعالیت آن که به بازنگری دقیق و راه‌گشایانه نیازمند است، اشاره کرد. همایش "شورای جهانی صلح" آن‌گاه به گزارش کمیسیون‌های پنجگانه خود از: آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا، اروپا، و خاورمیانه گوش کرد، و پس از بحث درباره کارکرد هر مورد گزارش کمیسیون‌ها در اجلاس، همراه با ارائه پیشنهادهایی مشخص، آن‌ها را به تصویب رسانید. رفیق دکتر عاقل طغز، رهبر جنبش صلح فلسطین و مسئول کمیسیون خاورمیانه، در گزارش خود به همایش به تحول‌های دو ساله اخیر در منطقه و تلاش‌های امپریالیسم برای بهره‌گیری از اوضاع به نفع خود و تحکیم هژمونی‌اش در خاورمیانه و از جمله به تحول‌های اخیر در فلسطین، لبنان، سوریه، مصر، و ایران اشاره کرد. رفیق سکورو گومز، رهبر جنبش صلح برزیل، که در سال‌های اخیر ریاست "شورای جهانی صلح" را به عهده داشته است، در روز اول همایش از شرایط کنونی جهان، پیامدهای بحران اقتصادی سال‌های اخیر کشورهای سرمایه‌داری، رشد ملیتاریسم و جنگ طلبی، و سیاست ارگان‌های تجاوزگری نظیر ناتو، و ضرورت گسترش مبارزه برای صلح، تحلیلی جامع ارائه داد.

پس از ارائه گزارش نمایندگان جنبش‌های صلح در ایران و ونزوئلا - که مهمان اجلاس بودند- در سخنرانی‌هایی شرایط کنونی و خطرهایی که صلح در این دو کشور را تهدید می‌کند، مورد بررسی قرار دادند. رفیق ونزوئلایی که از رهبران حزب کمونیست و عضو پارلمان ونزوئلا است، در سخنرانی دقیق، پس از اشاره به تحول‌های چندساله اخیر در ونزوئلا، نقش ویژه و برجسته رئیس‌جمهوری فقید این کشور، هوگو چاوز، در طرح، برنامه ریزی، و اجرای سیاست‌های

ادامه نشست هیئت اجرایی ...

”دبیرخانه شورای جهانی صلح مجدداً موضع‌گیری‌اش را در مخالفت با: تحریم‌های اقتصادی تحمیل شده از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا بر ضد ایران را، که تنها قربانیان آن مردم عادی‌اند، و همچنین در قبال هر گونه دخالت خارجی در امور داخلی ایران به هر بهانه بی، اعلام می‌دارد. ما همبستگی خود را با مردم ایران، برای مبارزه آنان در راه دموکراسی، حقوق و مطالبات اجتماعی و مردمی، و حق انحصاری آنان برای تعیین آینده و سرنوشت و مسیر توسعه کشورشان، اعلام می‌داریم.“

بیانیه نهایی همایش، در رابطه با راستای نگرش ترقی خواهانه “شورای جهانی صلح”، می‌گوید: شورای جهانی صلح حمایتش را از مبارزات مردم برای حق حفظ حاکمیت ملی خود و برضد مداخله خارجی، برضد سلطه و تهدیدهای امپریالیستی و همچنین دفاع از اصول منشور سازمان ملل متحد، که از سوی امپریالیسم در حکم یک ابزار به‌منظور نیل به هدف‌های خود مورد سوء استفاده قرار گرفته است، تأیید می‌کند. دبیرخانه “شورای جهانی صلح” تأکید می‌کند که، با وجود موازنه منفی نیروها به نفع سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم، شرایط چنان نیست که بشریت به نشستن و تماشای روی دادن جنگ‌های جدید امپریالیستی محکوم باشد. مردم و سازمان‌های توده‌ای متشکل‌شان (جنبش صلح، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های جوانان و زنان) نیروی بالقوه و ظرفیت کشف و پرده برداشتن از برنامه‌ها و هدف‌های واقعی امپریالیسم در برپایی جنگ، به وجود آوردن شوربختی برای انسان‌ها، و بهره‌کشی از آنان را داراست. تلاش متحد و هماهنگ، در سطح کشورها، منطقه‌ای، و بین‌المللی از سوی نیروهای نام‌برده در بالا، می‌تواند همچون عاملی توازن قوا را برقرار کند، و در بسیج و گردهم آمدن توده‌ها برای مبارزه در مسیر منافع و حقوق اکثریت قریب به اتفاق مردم بر روی کره زمین، موثر باشد. “شورای جهانی صلح”، تمام نیرو و توانش را در ارتباط با این وظیفه خود بسیج خواهد کرد.

ادامه شهروند آمریکایی ...

حتی سرب‌نیست کردن او. ادوارد اسنودن، با اشاره به “خائن” خوانده شدنش از سوی دیک چنی، گفت که، برایش مایه افتخار است که چنین آدمی او را خائن بدانند.

پیش از این نیز آمریکایی‌های دیگری دست به افشاکاری‌های مشابه زده بودند. سه سال پیش، بردلی مینینگ، هزاران سند طبقه‌بندی شده ارتش آمریکا- از جمله [سند‌های طبقه‌بندی‌شده بی] درباره حمله نیروهای نظامی به غیرنظامیان در عراق و افغانستان و نیز زندان گوانتانامو- را به ویکی‌لیکس داد که به‌طور علنی منتشر شدند. پیش از این‌ها نیز، در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی (۶۰- ۷۰ سال پیش)، جاسوسی درباره نیروهای مترقی از جمله فعالان صلح و حقوق بشر، و به‌ویژه کمونیست‌ها، به‌وسیله پلیس فدرال آمریکا بسیار رایج بود که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نیز ادامه یافت. امروزه عملیات جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا نه‌تنها خارجیان و به‌ویژه خاورمیانه‌ای‌تبارها، عرب‌تبارها، و مسلمانان را هدف قرار داده‌اند، بلکه به‌طور گسترده، شهروندان عادی و از جمله فعالان اجتماعی “جنبش تسخیر وال‌استریت” را نیز در بر می‌گیرد. نگرانی دولت آمریکا شاید بیش از آنکه از دخالت خارجی و تروریست‌های خارجی باشد، از جوش و خروش و خیزش مردم آمریکا است که باید به هر وسیله ممکن آن را کنترل کرد. جاسوسی الکترونیکی در زندگی خصوصی مردم، جزء کامل کننده دوربین‌های امنیتی نصب شده در خیابان‌ها و محل‌های رفت‌وآمد مردم در شهرهای آمریکا و دروغ‌پردازی‌ها و داستان‌پردازی‌های رسانه‌های زیرکنترل شرکت‌های غول‌پیکر به‌منظور هدایت افکار عمومی است. حتی از استفاده از پهپادها برای “نگاه کردن” امنیتی به شهروندان آمریکایی هم صحبت شده است، و چه‌بسا عملیاتی هم شده باشد.

زنده باد نلسون ماندلا، رهبر ملی و مبارز بر ضد آپارتاید



وضعیت جسمانی نلسون ماندلا، رهبر ۹۴ ساله جنبش مبارزه با دیکتاتوری رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی، به علت بیماری ریوی و عفونت ریه، رو به وخامت گذاشته است. این قهرمان سالمند مبارزه در راه آزادی، که بیش از ۲۷ سال از عمرش را با پایداری بر هدف‌های مردمی‌اش در زندان “جزیره روبن” گذراند، در رویارویی با بیماری و برای ادامه حیات نیز صحنه مبارزه را به آسانی ترک نمی‌کند. ابراز نگرانی همه نیروهای مترقی در سرتاسر جهان، و به‌خصوص ابراز احساسات عمیق مردم آفریقای جنوبی، نسبت به سلامت نلسون ماندلا، نقش ویژه این رهبر جنبش انقلابی توده‌های آفریقای جنوبی و درجه محبوبیت او را نشان می‌دهد. نلسون ماندلا در زندان و در رها بودن از زندان، با رهبری کردن ماهرانه و شجاعانه تشکل “کنگره ملی آفریقای جنوبی”، توانست طیف گونه‌گون نیروهای ملی، کمونیست، سندیکالیست، مذهبی، و قومی را برضد دیکتاتوری نژادپرست به صحنه مبارزه بکشاند. این جبهه متنوع سیاسی و نفوذ معنوی نلسون ماندلا بر آن، هنوز هم در حکم مهم‌ترین عامل در روبنای سیاسی آفریقای جنوبی به‌قدرت عمل می‌کند. همین‌طور در پهنه مناسبات جهانی، حتی با وجود ترکیب نظری متفاوت نیروهای شرکت کننده در درون این جبهه، “کنگره ملی آفریقای جنوبی” در مجموع در مبارزه با امپریالیسم وزن چشمگیری دارد. رهبری سیاسی قاطعانه نلسون ماندلا و نقش حیاتی او در مقام نماد ذهنی‌ای ویژه در به‌حرکت درآوردن خلق‌های سرزمین آفریقای جنوبی در راستای گذار از دیکتاتوری به‌سوی مرحله ملی - دموکراتیک، نمونه پراهمیتی پیش روی نیروهای سیاسی میهن ما می‌تواند باشد؛ زیرا رهبری ویژه آیت الله خمینی در هدایت نیروهای “اسلام سیاسی”، و با زیرپا نهادن خواست‌های مردم، سرکوب‌گری، و هجوم خون‌بار به نیروهای مترقی و ملی در مسیر متوقف کردن و به‌شکست کشاندن انقلاب مردمی بهمن ۱۳۵۷، در نقطه مقابل رهبری موفق نلسون ماندلا جای می‌گیرد. با وجود مشکل‌ها و چالش‌های کنونی مرتبط با مرحله ملی- دموکراتیک در آفریقای جنوبی، مردم و نیروهای سیاسی مدافع منافع زحمتکشان هم اکنون فعالانه در صحنه سیاسی حضور دارند. درحالی که سه دهه پس از انقلاب در کشور ما، نقش و حضور مردم در صحنه سیاسی، رای‌های آنان، و خواست‌هایشان، به ابزاری در دست ولی فقیه و رقابت‌های جناح‌های قدرت در درون هرم حاکمیت تبدیل شده است، و نیروها و فعالان سیاسی راستین و مردمی به زیر سرکوب بی‌رحمانه رانده شده‌اند. نلسون ماندلا در سال ۱۳۷۳ در مقام نامزد “اصلی مردم”، در “انتخابات دموکراتیک واقعی” ای با پشتوانه اکثریت عظیم توده‌ها و حمایت نیروهای پیشرو، توانست قدرت سیاسی را به‌دست گیرد. میان این فرایند دموکراتیک و “انتصاب‌های استصوابی” و “انتخابات مهندسی‌شده” در کشور ما تضادی آشکار وجود دارد، از این‌روی، ابرازهای دستگاه رژیم ولایت فقیه در تمجید از نلسون ماندلا و شکست دیکتاتوری نژادپرست آفریقای جنوبی را نمی‌توان واقعی و حقیقی دانست. حزب توده ایران، همراه با دیگر نیروهای مترقی ایران و جهان، به نقش ویژه و آموزنده این مبارز ملی در شکست دیکتاتوری آپارتاید با دیده تحسین و احترام می‌نگرد. ما امیدواریم که رهبر برجسته مردم آفریقای جنوبی سلامت کامل خود را باز یابد.



شهروند آمریکایی فاش کرد: تجاوز پنهانی به حریم خصوصی مردم به بهانه تضمین امنیت!

اوایل خردادماه خبری در روزنامه انگلیسی گاردین منتشر شد که به سرعت توجه همگان را به خود جلب کرد. ادوارد اسنودن، کارمند فنی و کارشناس کامپیوتر و فناوری اطلاعاتی یکی از شرکت‌های پیمانکار "آژانس امنیت ملی" آمریکا، که در سازمان "سیا" کار می‌کرد، از طریق روزنامه گاردین فاش کرد که: دولت ایالات متحد آمریکا به طور پنهانی و پوشیده از چشم مردم، مکالمه‌های تلفنی، ارتباط‌های ایمیلی، و فعالیت‌های اینترنتی میلیون‌ها تن از مردم آمریکا را ضبط و کنترل و دیده‌بانی می‌کند. به زودی این پرسش مطرح شد که، چه دولت‌های دیگری در اجرای این برنامه و برنامه‌های مشابه دست دارند؟ و مردم چه کشورهای دیگری در معرض جاسوسی‌اند؟ از جمله صحبت از این شد که "دفتر مرکزی ارتباطات دولتی" بریتانیا (که یکی از سه دستگاه امنیتی و اطلاعاتی بریتانیاست) ممکن است درگیر این برنامه بوده باشد که از طریق سامانه‌ی به نام "پریمز" امکان دسترسی آسان سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به نه شرکت معروف اینترنتی دنیا، و نیز آمار و اطلاعات تلفنی میلیون‌ها تن از مردم را فراهم می‌کند. ادوارد اسنودن، کارمند شرکت پیمانکاری "بوز این همیلتون"، که از عاقبت افشاجری خود باخبر بود، از آمریکا به هنگ کنگ رفت تا در زمان اعلام عمومی اطلاعاتی که در باره جاسوسی دستگاه‌های امنیتی آمریکا دارد، از تهدید و فشار مقام‌های امنیتی آمریکا در امان باشد. بنابر آخرین خبرها، او از هنگ کنگ به روسیه رفته است، و در حالی که مقام‌های آمریکا فشار زیادی به روسیه و اکوادور و نیز به خانواده اسنودن وارد می‌آورند تا او را "داوطلبانه" به آمریکا بازگردانند و به جرم جاسوسی برضد آمریکا محاکمه کنند، او همچنان در صدد است با کمک گردانندگان "ویکی لیکس" به اکوادور پناهنده شود.

آقای اسنودن در نخستین صحبتی که با خبرنگار نشریه انگلیسی گاردین داشت، گفت که: از افشای اسراری که بدان‌ها دست یافته است متأسف و پشیمان نیست و چون معتقد است که این‌گونه گردآوری نامحدود و کنترل‌نشده اطلاعات، نقض کننده و تباه کننده آزادی‌های مدنی شهروندان است دست به این افشاجری زده است. او گفت: "نمی‌توانستم اجازه دهم که دولت آمریکا به حریم زندگی خصوصی مردم تجاوز کند، و آزادی اینترنت و آزادی‌های بنیادی را تباه کند. تنها انگیزه من، اطلاع دادن به عامه مردم درباره کاری است که به نام آنان و برضد آنان صورت می‌گیرد." او اضافه کرد که، بارها نگرانی خود نسبت به این تجاوز به حریم خصوصی مردم را با مسئولان شرکت خود مطرح کرده بوده است، اما وقتی آنان چنین چیزی را رد کردند، تصمیم گرفت موضوع را به‌طور علنی مطرح کند. چندی بعد، ادوارد اسنودن در مصاحبه‌ی با یکی از روزنامه‌های هنگ کنگ، موضوع تلاش مکرر مأموران آمریکایی در زمینه دست‌اندازی به (هک کردن) سامانه‌های کامپیوتری چین را مطرح کرد. این در حالی است که دولت آمریکا بارها چین را به دست‌اندازی به (هک کردن) سامانه‌های آمریکایی متهم کرده است. به گفته لونی اسنودن، پدر ادوارد اسنودن، "...من فکر نمی‌کنم او خیانت کرده باشد. او از این لحاظ که اطلاعات طبقه‌بندی شده را علنی کرده است، قانون آمریکا را نقض کرده است... اگر می‌خواهند او را خیانتکار تلقی کنند، در واقع او به دولت خیانت کرده است. اما من معتقد

نیستم او به مردم آمریکا خیانت کرده است."

تجاوز به حقوق مدنی و زندگی خصوصی مردم آمریکا، در سال‌های اخیر و به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری جورج بوش (پسر) و به‌خصوص پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر و به بهانه تامین امنیت شهروندان، اوج و گسترش یافت. زمانی که باراک اوباما به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد، قول داد که آن کشور را از "جنگ مداوم" و جنگ بی‌پایان "ضد ترور" بیرون ببرد، زندان امنیتی گوانتانامو در خاک کوبا را برچیند، استفاده از پهپادها [هواپیماهای بدون سرنشین] را کاهش دهد، و امنیت روزنامه‌نگاران و آزادی بیان آنان را تضمین کند. اما افشاجری ادوارد اسنودن نشان داد که دست‌اندازی به حریم خصوصی مردم و آزادی‌های فردی به بهانه تامین امنیت، هنوز با تمام قوا ادامه دارد. آقای اوباما در واکنش به افشاجری اخیر [اسنودن] درباره گردآوری اطلاعات شخصی مردم گفت که، مردم آمریکا نباید نگران این قضیه باشند چون شهروندان آمریکا مشمول این برنامه نمی‌شوند، اگرچه اینک بر همگان روشن است که مأموران امنیتی آمریکا به راحتی به اطلاعات موجود بر روی سامانه‌هایی مثل گوگل دسترسی دارند. ادوارد اسنودن مدعی است که، "آژانس امنیت ملی" و سازمان "سیا" آمریکا به اطلاعات شهروندان در سامانه‌های مایکروسافت، یاهو، گوگل، اسکایپ، فیس‌بوک، پالتاک، یوتیوب، و امثال این‌ها، دست‌اندازی [هک] می‌کنند. آقای اوباما از این گردآوری اطلاعات دفاع کرد، و گفت: "نمی‌توان هم ۱۰۰ درصد امنیت داشت و هم حریم خصوصی مردم" [۱۰۰ درصد مصون باشد]!! مردم آمریکا به‌درستی از رشد فزاینده برنامه‌های جاسوسی دولت و حمله‌های پهپادها نگرانند، و می‌گویند این آن "تعبیری" نیست که ما به آن رای دادیم. گفتنی است که، همه این اقدام‌های امنیتی دولت بنابر "قانون وطن پرستی" که در زمان جورج بوش [پسر] به تصویب رسید و هنوز هم به‌قوت خود باقی است، صورت می‌پذیرند. ادوارد اسنودن، در گفت‌وگوی زنده اینترنتی‌ای که اخیراً با روزنامه گاردین و خوانندگان آن داشت، جزئیاتی از عملیات جاسوسی برضد شهروندان را شرح داد، از جمله اینکه: دسترسی اطلاعاتی به سیگنال‌های الکترونیکی (تلفنی، ای‌میلی، اینترنتی، و جز این‌ها) چگونه صورت می‌گیرد، و اینکه محدودیت‌های فناورانه در دسترسی به اطلاعات وجود ندارد، و اگر هم محدودیتی باشد، به صرف رعایت دستورعمل‌هاست که غالباً آن‌ها هم نادیده گرفته می‌شوند. کنترل و بازرسی‌های منظمی هم در کار نیست. اطلاعات به دست آمده مدت‌های طولانی و به‌منظور کنکاش‌های بعدی ذخیره می‌شوند. او در بخش‌های دیگری از گفت‌وگوهایش گفت که، به حمایت مردم پشت‌گرم است، اما می‌ترسد که دولت آمریکا برای ساکت کردن او به هر وسیله‌ی متوسل شود، از جمله زندانی کردن یا

ادامه در صفحه ۱۵

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
 ۲. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 924
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1st July 2013

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.v.
 بانک: Berliner Sparkasse
 کد بانک: 100 500 00
 شماره حساب: 790020580
 IBAN: DE35 1005 0000
 0790 0205 80
 BIC: BELADEBEXXX